

پیام بیچ



بیست و ششمین سال

مارچ - اپریل ۲۰۰۸

شماره ۲۹۸-۲۹۹

هو الله

ای خداوند مهربان یاران در کشور ایران
 اسیر ستمکارانند و مبتلا در دست هر جاهلی
 نادان... ای پروردگار کار گنه کاران را میپسند
 و دست تطاول ظالمان را کوتاه فرما نفوس را
 هدایت کن و بد خویان را خوشخو فرما ظالمان
 را عادل کن و لئیمان را باذل فرما غافلان را
 هشیار کن و خفتگان را بیدار نما. اسیران
 نفس و هوی را آگاه کن و مقیدان غل و
 بغضا را رهائی بخش تا یارانت در مهد امن
 و امان آسایش یابند و از دست درندگان
 خلاصی جویند و بآنچه سزاوار درگاه
 احدیت است قیام نمایند، توئی مقتدر و توانا
 و توئی عزیز و کریم و مهربان

پیام بدیع

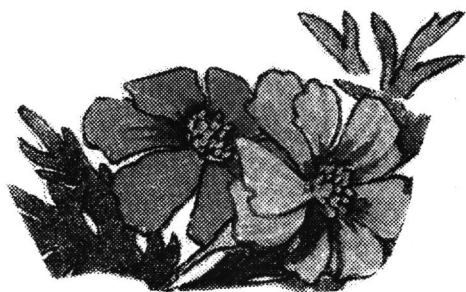
سال بیست و ششم
شماره‌های ۲۹۸-۲۹۹

بازل = مجزوه
حل = کتب - حیات - بغض - دشمن
حل = زنجیر آهنی که گردن یار است و به کسی بستن
حل = زنجیر آهنی که گردن یار است زنده‌باشان صبر ندرند
سال ۱۶۵ بدیع
۱۳۸۷ شمسی

مارچ - اپریل

۲۰۰۸

صفحه	عنوان
۱	۱ - مناجات مبارک
۱	۲ - مناجات مبارک
۲	۳ - تبریک دو عید صیام و نوروز
۳	۴ - نور روز در راه است
۵	۵ - عید اعظم رضوان
۶	۶ - لوح مبارک
۷	۷ - از دست خط های حضرت ورقه علیا
۹	۸ - دست خط بیت العدل اعظم
۱۱	۹ - عید رضوان (شعر)
۱۲	۱۰ - ترجمه محفل ملی آمریکا
۱۵	۱۱ - زیارت الواح و آثار
۱۶	۱۲ - بی یار نخواهم شد (شعر)
۱۷	۱۳ - خاطرات جناب دکتر یوگو جیاگری
۲۰	۱۴ - کتاب مفاوضات چگونه پدید آمد
۲۶	۱۵ - ملکوت الله
۳۰	۱۶ - زن ایرانی در دو قرن ۱۹ و ۲۰
۳۵	۱۷ - آهنگ حیات اجتماعی
۳۷	۱۸ - عروس بهار (شعر)
۴۱	۱۹ - آئین بهائی، زاده ایران
۴۳	۲۰ - در تداوم ایمان
۴۵	۲۱ - دو دیانت بابی و بهائی
۵۱	۲۲ - فلسفه اعداد و حرمت تقدس
۵۳	۲۳ - سیر موسیقی در ایران
۵۵	۲۴ - بودا باوری در ایران و آسیای میانه
۵۸	۲۵ - رشعی از الطاف الهیه در سفر به ممالک روسیه سابق
۶۱	۲۶ - حاجی کریم خان
۶۳	۲۷ - شورای اتحادیه اروپا
۶۴	۲۸ - چگونه بهائی شدم
۶۵	۲۹ - جلوه معشوق (شعر)



هوائه

ای پروردگار این دوستان باران تواند و سرمست پیمان نهان تو هم پرورده آغوش بخشند

شیرخوارستان دهن خداوند آفریش اگر مستزند ولی هوشمندند اگر ناخواند ولی زورمندند

چه که تو پشتیبانی نو یار و مرغانی در جهان کیهان سر بلند ما و در ایوان یزدانی جای بده در

انجن بالار و سفید فرما و در امید بگشا و از بخش آسانی بهره بخش شب تیره راز و فرما و

روز نور و زرا فروزن نونی تو امان و نونی بیانی نونی سنوا نونی بیخمان نونی مهربان

ع
ع



و جعلنا النیروز عیداً لکم

رسیدن موبک خجسته دو عید صیام و نوروز را مغتنم
شمرده از آستان جمال اقدس ابهی و دعای بیت العدل
اعظم آرزو داریم که برای جهانیان بخصوص بهایان جهان
تندرستی، آرامش و امنیت و صلح و صفا را به ارمغان
آورد.

در تعریف بهار جان پرور و شنای مالک قدر حضرت جمال قدم بهار آینه

روحی و روح العالمین لندکره العذار

گر نسیم منور دین زکوی یار میوزد غنایب زکوی یار میوزد که مشکب ار میوزد

بهر دیار میرسد سیح وار میوزد برده روح سید هر چه بر گزار میوزد

بسان نار موسوی بشاخ میوزد ز شاخای هر شجره پدید کرده نار نار



خانم طلعت بصّاری (قبله)

ششم ماششم مارچ ۲۰۰۸

نو روز در راه است



دلم تنگ است، تنگِ تنگ

دلم تنگ ایران است، تنگ مازندران

تنگ بنفشه ها پُر چینهای روستا ها و باغهای بابل

بنفشه که از سرّ و ستم ستم کاران گویی

سر شرمساری به دامان دارد.

دلم تنگ است، تنگِ تنگ

تنگ نرگس است که از آن چه بر سر مردم می رود

چشم شهلایش گریان است.

دلم تنگ است، تنگِ تنگ

تنگ سُنْبُل که چون زلفش گره در روزگار انسانهاست

و کسی نیست که گره گشا باشد.

دلم تنگ است، تنگِ تنگ

دلم تنگ لاله است، که دل خون برای زنان و مردان و کودکان و نوجوانانی است

که گناهی جز پاکی و صداقت و راستی ندارند.

دلم تنگ است، تنگِ تنگ

آخر این کلاغ ها از جان بلبلان چه می خواهند

که دست از سرشان بر نمی دارند.

نو روز در راه است

اما دلم تنگ است، تنگِ تنگ

عید را چون کودکان در انتظار

سُنْبُل و نرگس، بنفشه آورد

من که بودم عاشق عید و بهار

می نخواهم فرودین از ره رسد



نوروز در راه است
 آه زمزمه‌ای به گوش می‌رسد
 چرا دل‌تنگی، چرا نومیدی؟
 بهار روزگار ما فرا خواهد رسید
 با خرمی خواهد رسید
 ایران شکوفه باران خواهد شد
 گیتی شکوفه باران خواهد شد





فيا مرحبا هذا عيد الله قد ظهر سلطان عظيم هذا عيد فيه
رفع القلم عن الأشياء بما ظهرت سلطان القدم عن خلف
حجاب الأسماء إذا يا أهل الإنشاء سروراً في أنفسكم بما
مرت نسائم الغفران على هياكل الأكوان و نفع روح
الحيوان في العالمين

سلطان اعياد عيد اعظم رضوان راکه ورودش روح
جديدی به عالم امکان دمید به همه عاشقان روی جانان
تبریک می گویم و امیدواریم آنچه وعده فرمود هرچه
زودتر تحقق پذیرد و جهان و جهانیان بیمار با شناخت
پزشک دانا و به کار بردن داروی درمان بخش او آسایش
و آرامش و امنیت یابند و وحدت عالم انسانی در پرتو
عناياتش چهره گشاید.



حضرت بهاءالله جلّ جلاله می فرمایند:

« هوالباقی »

عید رضوان است و ربیع ظهور جمال رحمان
 مابین زمین و آسمان در این یوم بدیع ابواب
 جنان بامر حضرت سبحان بر وجوه اهل امکان
 مفتوح گشته و نیسان رحمت رحمانی از سحاب
 مکرمت سبحانی بر مطالع و مظاهر لایتناهی
 باریده.



از دستخهای حضرت ورقه علیا

نقل از کتاب بهائیه خانم، حضرت ورقه علیا، آلمان، ۱۹۸۵ م

.....سپاس ایزد توانا را که در این روز فیروز آفتاب بخشش چنان تابش فرمود که از پرتوش جهان دلها را بر افروخت و پرده های نادانی و گمراهی بسوخت. دست و پای مردمی را از بند و زنجیر های افسانه های بی پایه و اندیشه های فرومایه بگشود و زنگ و گرد این مفاک خاکدان را از آئینه پاک جانها بزدود. در خمخانه بی پایانش را بگشاد و باده دانائی و دوستی را ارزانی داد. سر پرده یگانگی را بر افراخت و شالوده بیگانگی را بر انداخت. نژاد ها و آئینهای رنگارنگ از باده گلرنگ دوستی او چشیدند و دست از دوئی کشیدند و در خم یگانگی او یکرنگ شدند.

پاکانی که بکوی شناسائی او رسیدند، و مانند آئینه تابناک درخشیدند، دل از هر چیزی جز او گسستند و به او پیوستند. گفتار و رفتار او را در گوش هوش کردند و هر چه جز آن فراموش نمودند. از جهان پائین به جهان بالا در پروازند و شایسته شنیدن و فهمیدن در راز. پس چنین روزی روز ستایش است و نیایش و دست شستن از هر آلائش.

روی دل به جهان بالا نمائیم و دست نیاز سوی آن دلبر بی انباز دراز کنیم و درخواست آوریم که ای بخشنده مهربان و پرورنده دل و جان! ما را بجز خشنودی تو آرزویی نیست. دلها به یک یک توأم است و همه با یکدیگر همراز و همدم. درستایش و پیروی تو هم آوازیم و به راه تو در پرواز. ناتوانیم توانائی بخش و یآوری فرما. توئی دستگیر و توئی پرورنده و مهربان. (صص ۱۴۲ - ۱۴۳)

...در این عصر عظیم و قرن کریم، شمس عنایت از افق مشرق وحدانیت چنان اشراقی فرمود و به اشعه و ضیائی سطوع کرد که عالم وجود را نورانی نمود و کینونات و سرائر را مجالی و مرایای قدسیه فرمود. بقسمی که هویات

باهره زاهره بتوجه و تقابل به نیز منیر و کوکب افق علین استفاضه از فیض
مبین نمودند و بر سر توحید و رمز تفرید واقف و آگاه شدند و بر دقائق حقایق
انتباه یافتند.

شکر حضرت محبوب راکه به الطاف خفیه و أعطاف جلیه کشف اسرار
نمود و خرق آستار فرمود. الفاظ، صورت معانی یافت و معانی، طراز رحمانی.
عهد صریح تصریح، تکلیف نمود و نص واضح. مبین تشریح کتاب، تدوین
فرمود. مرجع مخصوص، منصوص گشت و ولی امر و مبین کتاب، فصل الخطاب
شد. و هذا من فضل محبوبنا الابهی و عنایته من اشرفت بانوار عبودیته الارض
و السماء.....(صص ۱۴۶ - ۱۴۷)



۱۷ شهر السطان ۱۶۴

۴ فوریه ۲۰۰۸

دستخط بیت عدل اعظم الهی خطاب به یاران ایران هیئت مجلله یاران ایران

در تعقیب نامه مورخ ۳ ژانویه ۲۰۰۸ دارالانشاء بیت العدل اعظم الهی خطاب به هیئت محترم یاران که در آن معهد اعلی شرکت احباء در انتخابات مجلس و دیگر انتخابات مملکتی را، به شرط اینکه عاری از هر گونه گرایش سیاسی حزبی باشد، بلا مانع اعلان نموده اند و با توجه به اینکه برای درک بیشتر این هدایت بهتر است احبای عزیز از اصول بهائی و سوابق تاریخی این موضوع اطلاعات بیشتری داشته باشند، مقرر فرمودند به شرح زیر مرقوم گردد.

توجه به دو اصل مهم به روشن شدن این موضوع کمک خواهد کرد. اصل اول این است که احبای الهی باید در جمیع شئون، چه به عنوان یک فرد و چه به عنوان یک جامعه، به نحوی مشی و سلوک نمایند که در جمیع اوقات خیر خواهی و صداقت خود را نسبت به مردم و حکومت آشکار و مبرهن سازند. هم چنین بی طرفی کامل احباء چه فردی و چه گروهی، در امور سیاسی و اجتناب آنها از هر گونه موضع گیری حزبی باید اساس جمیع اقدامات آنها باشد به طوری که مطابق میل مبارک حضرت ولی عزیز امرالله، کل طرف اعتماد مردم و مأمورین دولت و رؤسای ملت گردند.

اصل دوم این است که شرکت در انتخابات مملکتی به شرط این که شرکت کننده بتواند بدون انتساب خود به هیچ یک از احزاب سیاسی و یا اظهار هیچ نوع تمایل حزبی عمل نماید برای احبای عزیز بلا مانع است. ولی شرکت در این انتخابات اجباری نیست بلکه اختیاری است. تشکیلات و جامعه بهائی در این

امر هیچ دخالتی ندارد. احبّاء در مورد این که به چه شخصی رأی بدهند با یکدیگر مشورت نکرده و جامعه نیز نباید هیچ اقدامی نماید که بر شرکت یا عدم شرکت احبّاء و یا اینکه به چه کسی رأی می دهند اثری بگذارد. اجتناب جامعه بهائی از بحث و مذاکره در این مورد ضروری و حفظ اتحاد جمع اهل بهاء در جمیع شئون از اعظم امور است.

اصل آزادی فرد بهائی برای شرکت در انتخابات مملکتی به شرط این که عاری از هرگونه گرایش سیاسی حزبی باشد، امری است که از قبل هم مصداق و هم اکنون در سایر نقاط جهان نیز اجرامی شود و ابلاغ این امر به احبّای ایران در این زمان و در جواب سؤال هیئت یاران، بیان یک اصل کلی اداری بهائی است و هیچ گونه دلیل دیگری ندارد نه مربوط به شرایط خاص کنونی ایران است و نه دلیل هیچ نوع جانب گیری سیاسی و یا غیر سیاسی در امور آن مملکت است. شرکت در این انتخابات رابطه‌ای با تأکیدات بیت العدل اعظم در باره اهمیت جهد و کوشش یاران در خدمت به احیای ایران و عمران آن سرزمین مقدّس ندارد، نه دلیل پشتیبانی از دولت است و نه نشانه همکاری با حکومت، و عدم شرکت در آن نیز نشانه مخالفت با هیچ یک نیست احبّاء بطور انفرادی آزادند تصمیم بگیرند که آیا مایلند در این انتخابات شرکت نمایند یا خیر. نکته دیگری که شاید ذکر آن لازم باشد آن است که احبّای عزیز ممکن است در عمل دریابند که پیروزی کامل از اصول روحانی انتخابات بهائی در انتخابات مملکتی کار آسانی نیست و نباید بدین منظور ناراحتی وجدان به خود راه دهند زیرا که پایه و اساس این دو کاملاً با هم متفاوت است. با تقدیم تحیات دار الانشاء بیت العدل اعظم



عید رضوان

خانم دلیله ثابت (طبیعی)

رضوان رسید، فصل گل و لاله ها رسید
 دست احد نقاب ز وجه بهاکشید
 باغ جهان گرفت طراوت ز روی او
 خم الست نشئه ز جام سیوی او
 بغداد شهر و روضه رضوان مطاف گشت
 گویی گرفته جشن، گلستان و باغ ودشت
 آنجا گرفت پرده ز رخسار خود بها
 آنجا شگفت نو گل جانان به باغ حق
 آنجا گرفت جلوده دیگر جمال عشق
 چشم جهان شگفت بروی کمال عشق
 آنجا درخت سلسله ادیان گرفت بار
 آنجا نمود جلوه بکل جمال یار
 آنجا چو زد ندای اناالحق ز کبریا
 آمد صلا ز منتظرانش بلی بلی
 شمس هدا ببین که ببرج اسد نشست
 موعود کل ز فضل به عرش صمد نشست
 دنیا ز ابتلاء بحد نصاب بود
 افتاده در مصائب و در منجلاب بود

هر قوم دیده بر ره یک منتظر بُدند
 یک عالمی ظهور ورا منتظر بُدند
 لیکن گرفت تا که تحقق وعودشان
 ظاهر چو گشت یهوه و رب الجنودشان
 رخ از قبول جمله حقایق بتافتند
 صد عذر بهر خویش ز او هام ساختند
 اما ضیاء شمس نهان کی توان نمود
 ظاهر جمال حق شده نتوان نهان نمود
 بر رغم هر معاند و هر دشمن لدود
 عالم به روی پیک خداوند درگشود
 در هر کنار و گوشه دنیا ست نام او
 تا زد به پیش در همه عالم مرام او
 آید بهار چونکه به پیچد شمیم گل
 آنجا که نیست گل برسد خود نسیم گل
 رضوان رسید جشن و سروری بپا کنیم
 تبریک عید بر همه یاران صلا کنیم
 هر دم بسوی خالق بی چون دعا کنیم
 بهر همه قیام به خدمت رجا کنیم



ترجمه پیام محفل روحانی ملی به تاریخ ۱ مارچ ۲۰۰۸ خطاب به جامعه بهائی
آمریکا برای ضیافت شهر العلاء ۶۴ بدیع

یاران محبوب حضرت محبوب

این ضیافت نمودار پایان "ایام ها" است روزهای ویژه ای که شایسته است احباء آن را "با وجد و سرور به برگزاری ضیافت و انفاق به فقراء اختصاص دهند." (۱) هم چنین پایان ایام ها مقارن با آغاز صیام است، که به فرموده حضرت ولی امرالله در طی آن فرد بهائی می گوشت "قوای معنوی مودعه در روح خود را تقویت نماید." (۲)

شگی نیست که در خلال این ایام، فرد فرد اهل بهاء مناجات سپاس به درگاه حضرت بی قیاس تقدیم می دارند و از صمیم جان با جمال جانان به راز و نیاز می پردازند. برکات الهی را برای خود و خانواده و دوستان به جان ملتمس می شوند و از پدر آسمانی خویش طلب می کنند که آشتی و یگانگی به عالم بشری ارزانی دارد. و البته در این میان به تأمل می پردازند که خود چه سهمی در خدمت به امر عزیز الهی باید ایفا نمایند، زیرا از خاطر خویش دور ندارند که مقصد امر مبارک تأسیس ملکوت الهی در پهنه گیتی است.

پس ای دوستان، بیایید از صمیم دل، دست به دعا بر داریم که جامعه امری ایالات متحده کاخ افتخارات خود را بر اساس انتصارات عظیمی که در ماه های اخیر حاصل آمده، پی ریزد و همگی همانند هیكلی واحد به پا خیزیم و اهداف تبلیغی ای را که بیت العدل اعظم الهی وضع فرموده، تحقق بخشیم. بدین ترتیب، با وحدت نظر و وحدت عمل، چنان نغمه یگانگی بسرائیم که بانگش به عنان آسمان رسد و جاذب تأییدات و عنایات جمال ابهی گردد. مردم آمریکا چشم انتظار به بشارت اخوت و محبت عمومی دوخته اند. تعداد

(۱) - کتاب اقدس، ملحقات، ص ۱۲۴

(۲) - مضمون بین مبارک به فارسی

بسیاری از نفوس گرانمایه که برای پذیرفتن پیام الهی آماده‌اند در اطراف ما وجود دارند، اما هنوز صَلَای صَلَاح و صلاح موعود امم را نشنیده‌اند تا در ظلّ لوای امرش به خدمت پردازند.

وظیفه خطیر ما اهل بهاء است که مردمان این دیار را مژده وصل دلدار دهند و آشکار سازند که منجی اعظم نزول اجلال فرموده است.

در این مقام شایسته است این گفتار جمال کردگار را به یاد آوریم که مخصص ایام صیام نازل گردیده است.

« **ثُمَّ وَفَقَهُمْ يَا اَلِهِي عَلٰى نَصْرَةِ نَفْسِكَ وَاِعْلَاءِ كَلِمَتِكَ. ثُمَّ اجْعَلْهُمْ اِيَادِي اَمْرِكَ بَيْنَ عِبَادِكَ. ثُمَّ اَظْهَرِ بَيْنَهُمْ دِيْنَكَ وَاَثَارَكَ بَيْنَ خَلْقِكَ لِتَمَلُّوا الْاَفَاقَ مِنْ ذِكْرِكَ وَاَثَارِكَ وَاَنْتَ اَنْتَ الْمَطِيُّ الْمَتَعَالٰى الْمَقْتَدِرُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيْزُ الرَّحْمٰنُ.** »

با تحیات ابدع ابهی،

محفل روحانی ملی بهائیان ایالات متحده

منشی محفل : کینت ای باورز

(۱) - رساله تسبیح ص ۴۶. مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است : « خدایا، یارانت را در یاری رساندن به حضرتت و بلند آوازه ساختن امرت توفیق بخش. آنان را ایادی امرت در میان بندگانت فرما. بواسطه آنان دین و آثارت را در میان مردمانت پدیدار ساز تا ذکر و ثنا و حجت و برهانت آفاق را فرا گیرد. توئی دهنده و بزرگواری توانا و مهیمن و شکوهمند و بخشاینده. »

ارسالی جناب هوشنگ گهر ریز

زیارت الواح و آثار

و نیز میفرمایند:

«میانہ حجج و دلائل آیات بمنزلہ شمس است و سوای آن بمنزلہ نجوم.....و
حجتی هم اکبر و اعظم از آیات منزله در ارض ظاهر نشده»

(بشارات کتب آسمانی صفحه ۱)

و نیز میفرمایند:

«شرط اعظم میل و محبت نفوس مقدسه است به تلاوت آیات اگر یک آیه و یا
یک کلمه بروح و ریحان تلاوت شود بهتر است از قرائت کتب متعدده»

(سئوال و جواب صفحه ۳۴)

و نیز میفرمایند:

«کلّ باین کلمه مبارکه به مثابه آفتاب از افق سما، لوح الهی مشرق است ناظر
باشید ان ارجعوا الی آثار یا اولی الابصار»

(امر و خلق جلد ۴ صفحه ۲۶۰)

و نیز میفرمایند:

«یا حزب الله بآثار رجوع نمائید و آذان را از اقوال کذبۀ نالایقه مقدس دارید...
این است آفتاب نصیحت که از افق سما، قلم اعلی اشراق نمود طوبی للناظرین
و طوبی للسامعین»

(امر و خلق جلد ۴ صفحه ۲۶۰)

و نیز میفرمایند:

«لا تعزّتکم کثرة القرائة و الاعمال فی اللیل و النهار لو یقرء احد آیه من الایات
بالروح و الریحان خیر له من ان تیلو بالكسالة صحف الله المهیمن القیوم»

(کتاب اقدس آیه صفحه ۲۶۱)

نیز میفرمایند

«اتلوا آیات الله علی قدر لاتاخذکم الکسالة و الاحزان لاتحملوا علی الارواح مایکسلها و
وثیقلها بل مایحفظها لتطیر باجنحته الایات الی مطلع البینات هذا اقرب الی
الله لو انتم تعقلون».

(کتاب اقدس آیه صفحه ۲۶۲)

در گداز گداز و این بسند بخوار هم شد

آشفتگی در باوری او که در کوهی عراقتی هست تا هستی در باوری او که در کوهی عراقتی هست تا هستی در باوری او که در کوهی عراقتی هست تا هستی

خون سوزیده عیشی در باور بخوار هم شد

خون سوزیده عیشی در باور بخوار هم شد تا هستی در باوری او که در کوهی عراقتی هست تا هستی در باوری او که در کوهی عراقتی هست تا هستی

تا غمخورم او با شد بخوار هم شد

تا غمخورم او با شد بخوار هم شد تا هستی در باوری او که در کوهی عراقتی هست تا هستی در باوری او که در کوهی عراقتی هست تا هستی

افکار بخوار هم شد

افکار بخوار هم شد از کوهی عراقتی هست تا هستی در باوری او که در کوهی عراقتی هست تا هستی در باوری او که در کوهی عراقتی هست تا هستی

از کوهی عراقتی هست تا هستی در باوری او که در کوهی عراقتی هست تا هستی

از کوهی عراقتی هست تا هستی در باوری او که در کوهی عراقتی هست تا هستی در باوری او که در کوهی عراقتی هست تا هستی

خبر در میخانه این باور بخوار هم شد

خبر در میخانه این باور بخوار هم شد تا هستی در باوری او که در کوهی عراقتی هست تا هستی در باوری او که در کوهی عراقتی هست تا هستی

تا روز قیامت هم بخوار هم شد

تا روز قیامت هم بخوار هم شد تا هستی در باوری او که در کوهی عراقتی هست تا هستی در باوری او که در کوهی عراقتی هست تا هستی

وز جواب بخوار هم شد

وز جواب بخوار هم شد تا هستی در باوری او که در کوهی عراقتی هست تا هستی در باوری او که در کوهی عراقتی هست تا هستی

شده بخوار هم شد

از م - ه - آشتی

بضمین بصورتی از کوهی عراقتی هست تا هستی در باوری او که در کوهی عراقتی هست تا هستی

خاطرات جناب دکتر جیاگری

ترجمه خانم فریده تمدن (سیاهپوش)

مارچ ۲۰۰۸

ادامه مطالب پیشین

حضرت شوقی افندی

شگفتی حضرت ولی امرالله پس از اطلاع از اینکه تا چه حد من به کارهای جنبی آن حضرت علاقه داشتم البته با صلاحیت و شایستگی کمتری بسیار جالب بود من بسهم خودم کارهایی که آن حضرت تا سال ۱۹۵۲ انجام داده - بودند تقدیس و تحسین می کردم و کاملاً شیفته و مجذوب مغز مبتکر و خلاق و مهارت انجام امور متنوع آنحضرت را در آن واحد بودم.

شبی پس از اولین زیارت من از مقام مقدس حضرت بهاءالله و قصر بهجی حضرت ولی امرالله از من سؤال کردند که چه چیزی را من در وحله اول در ورود بقصر بهجی متوجه شدم. آن حضرت خیلی مشتاقانه بمن نگاه می کردند و یک حالت انتظار در صورت محبوبشان بود، وقتی که من عرض کردم که در انتهای پله های قصر بهجی عکس قاب شده از تصویر یک مرد جالب توجهی که احتمالاً ایرانی می باشد در روی دیوار است که نظر مرا جلب کرد. سیمای مبارک با درخششی که حکایت از احساس درونی از رضایت و قدر دانی آن حضرت بود. با تبسم فرمودند خوشحالم که شما متوجه آن عکس شدید. شما چه قدر ملاحظه کننده و تیز بین هستید. من آن عکس را در آنجا قرار داده ام که همه به بینند و آن عکس متعلق به باغبان مشهور و فوق العاده بنام ابوالقاسم می باشد. که خدمات او بحضرت عبدالبهاء و من هیچوقت فراموش نخواهد شد. من قبلاً راجع به شایستگی فوق العاده در کارهای باغبانی و ایثار و از خود گذشتگی ابوالقاسم شنیده بودم ولی عکسش را ندیده بودم، حال ایقدر او را گرامی داشته اند که او به هر فردی که وارد قصر بهجی می شود خوش آمد می گوید.

چند ماه بعد وقتی که من به یکی از مزارعی رفتم که قبلاً بحضرت عبدالبهاء، تعلق داشت، و آن حضرت آن مزرعه را که در کناره های شرقی دریای کالیله بود خریده بودند. در اظهار نظر من که توسعه کشاورزی بحد کامل در آن مزرعه مشاهده میشد، زارعان که در آنجا بودندو به مزرعه رسیدگی می کردند بمن گفتند که این در اثر لیاقت و شایستگی ما به تنهایی نیست بلکه ما هر چه انجام میدهیم از بهائیان ایرانی که قبلاً این محل را کشت و پرورش داده اند یاد گرفتیم. این قدر دانی عقیده راسخ مرا تقویت کرد که این روح مبتکر و تهور آمیزی که حضرت ولی امرالله در زیبا اراضی اطراف مقامات مقدسه نشان داده اند ریشه عمیق در سنت های قدیمی ایران دارد که در ازمنه گذشته برای باغهای تزئینی مشهور و معروف بوده اند.

برای من غیر ممکن است که بتوانم بطور شایسته تاریخ تکامل باغهای اطراف مقام اعلی را نقل کنم. مشکلات خرید زمینهای لازمه از زمان حضرت عبدالبهاء تا زمان قیمومیت حضرت ولی امرالله در قسمتهای دیگر ذکر شده است. خواننده بخوبی می تواند اشتیاق حضرت ولی امرالله را برای خرید زمین کافی در آن کوه مقدس را درک کند زیرا آن حضرت میخواستند در عین اینکه زیبایی محیط را تضمین نمایند آرامشی که بتواند آن مرقد مقدس را حفاظت ایجاد کنند تا گروه زائرین و توریستهای که از تمام دنیا می آیند از محیط روحانی این نقطه مقدس بدون مزاحمت از خارج لذت ببرند. حضرت عبدالبهاء از همان اول که شروع به ساختمان ۶ اطاق برای ساختمان مقام اعلی نمودند یک باغچه کوچکی از گل را که مناسب و هماهنگ با زمینی که اطراف مقام مقدس بود ترتیب داده بودند.

من بخاطر دارم عکسی را که سالهای قبل زیارت کرده بودم و احتمالاً در سال ۱۹۰۷ گرفته شده بود که یک مقدار بوته ها و گلخانه های را که در مقابل ساختمان مقام اعلی (قسمت شمالی) کاشته شده بود نشان می داد. این باغچه یک مقدار بشرق و غرب ساختمان توسعه داده شده بود و با نرده آهنی

که در حدود چهار فیت بلندی آن بود و طرح ساده‌ای داشت محافظت می‌شد و یک ال‌اجیق چوبی که پیچک رونده را نگه می‌داشت در یک انتهای باغچه بود. آب زیادی برای باغچه‌ها در آن زمان موجود نبود، بغیر از آبهایی که از باران در در آب انباری که نزدیک مقام اعلی ساخته شده بود جمع می‌شد، این آب انبار به دستور حضرت عبدالبهاء، قبل از اینکه شروع بساختمان مقام اعلی نمایند ساخته شده بود. من خیلی خوب بیانات مبارک حضرت ولی امرالله را بخاطر دارم که قدم مهمی را که حضرت عبدالبهاء بر داشته بودند که آب انبار بسازند درست بعد از اینکه تصمیم گرفته بودند که شروع ساختمان مقام مقدس حضرت اعلی نمایند چقدر حائز اهمیت بوده است زیرا کم بود آب مانع توسعه زمینها برای بهره‌داری می‌شد.

مجدداً قوه ابتکار و اشتیاق فوق العاده حضرت ولی امرالله بود که امکان آوردن آب بیشتری را به کوهستان ایجاد کرده بودند و بدین ترتیب امکان توسعه و تکامل نقشه وسیع و جامعی برای زیبا کردن اراضی اطراف مقام اعلی دادند. و در نتیجه روش جدیدی که انحراف از باغهای رسمی انگلیسی و یا ایتالیائی بود بوجود آوردند. چون آنحضرت سلیقه عالی خود را مطابق با طبیعت زمین، نوع درختها، و بته‌ها و گل‌هایی که بتوانند بیشتر دوام داشته و رشد نمو در آب و هوای آن مملکت بنمایند و با محوطه سازی عمومی منطقه هماهنگی داشته باشند بکار بردند،

ادامه دارد



چون این کمینه را از معرفت زبان پارسی نصیب وافی نبود و از خوض در غباب مسائل الهیه حظی کافی نه. حضرت عبدالبهاء روحی له الفداء غالب اوقات مجبور شده اند که عین یک مطلب را در مواضع متعدده تکرار نمایند..... باری پس از چندی مجموعه و جیزه از آن سؤال و جوابها فراهم گردید و این کمینه..... از حضرت عبدالبهاء رخصت خواست که آن سؤال و جوابها را به هیئت کتابی طبع و نشر سازد و فائده آن را به عموم ناس رساند..... در این مقدمه چنانکه دیده شد نویسنده فقط از وجود تند نویس سخن بمیان میآورد و از حضور مترجم یاد نمی کند ولی در مقدمه ای که ناشر مفاوضات چاپ سال ۱۹۶۴ بر ترجمه کتاب نگاشته از قول خانم بارنی چنین می نویسد: "این مصاحبه ها میان حضرت عبدالبهاء و لورا کلیفورد بارنی در سالهای سخت ۱۹۰۶ - ۱۹۰۴ صورت گرفت که آن حضرت بدستور دولت ترکیه در شهر عکا زندانی بودند و فقط چند نفر اجازه ملاقات با حضرت عبدالبهاء را داشتند و آن حضرت دائم مورد تهدید بودند که به نقطه دور دستی تبعید شوند خانم بارنی در این وقت ترتیبی داده بود که یکی از داماد های حضرت عبدالبهاء و یا یکی از سه منشی برجسته فارسی زبان آن حضرت در این مصاحبه حضور یابد تا اطمینان حاصل شود که جوابهای حضرت عبدالبهاء به سئوالات مطروحه بدرستی ثبت شود.



حضرت عبدالبهاء بعداً ترجمه ها را می خواندند و گاه یک کلمه یا یک سطر را با قلم نی خود تغییر می دادند، این سؤال و جوابها بعداً توسط خانم بارنی به انگلیسی ترجمه شد و متون اصلی آنها امروز جزء آرشیو بهائی در حیفاست. جهت تبیین بیشتر راجع به این اثر به بیانات حضرت شوقی افندی در "گادپاسزبای" صفحات ۱۰۷ - ۲۶۰ - ۲۶۸ - ۳۰۵ - ۳۸۳ رجوع کنید....."

اما خانم بارنی در مقدمه ای که بر ترجمه انگلیسی خویش از "مفاوضات" نگاشته تصویر دقیقی از محیطی که به پیدایش مفاوضات منجر شد ارائه داده می نویسد:

"حضرت عبدالبهاء بعد از جواب یکی از سئولات من از سر میز بر خاسته فرمودند "من لحظات خسته ام را بتو دادم" خستگی حضرت عبدالبهاء، بمانند امروز بین ساعات کار با فعالیت مجدد از میان میرفت بطوریکه آن حضرت قادر بودند بتفصیل صحبت کنند. اما غالباً و حتی در مواردی که بررسی موضوعی احتیاج به زمان بیشتری داشت بعد از مدت کوتاهی آن حضرت فرا خوانده می شدند و ناچار بودند خارج شوند و دو باره روزها و هفته ها میگذشت و موقعیتی دست نمی داد که حضرت عبدالبهاء مرا تعلیم دهند اما من صبور بودم خصوصاً که زندگی خصوصی آن حضرت برای من درسی محسوب می شد.

طی چند بار زیارت از عگا وقتی حضرت عبدالبهاء سخن می گفتند جواب سئولات برای اینکه من آنها را جهت مطالعه در آینده داشته باشم بفارسی نوشته می شد بدون آنکه قصد انتشار آنها در میان باشد وقتی قدری به زبان فارسی آشنائی یافته ام جواب سئولات توسط مترجم جرح و تعدیل می شد..... در این درس ها حضرت عبدالبهاء بمثابه آموزگاری بودند که خود را با سطح درک شاگرد خود تطبیق می دادند..... من فکر می کنم آنچه که برای

من بسیار با ارزش است می تواند برای دیگران نیز مفید و سودمند باشد خصوصاً که همه مردم صرفنظر از اختلافات شان در تحرّی حقیقت با هم یکسانند از این رو از حضرت عبدالبهاء تقاضا کردم که اجازه انتشار این سخنان را بمن بدهند.

در این اوراق متن فارسی کاملاً دنبال شده است فقط در ترجمه تغییرات جزئی داده شده تا مطلب از ابهام بدر آید و موضوع روشن شود و احتیاج به تکرار نباشد....."

خانم بارنی چنانکه دیده می شود در مقدمه خویش از هویت مترجمین یاد نمی کند ولی جناب دکتر یونس خان افروخته در کتاب "خاطرات نه ساله خویش" بمسائل متعدد از جمله هویت مترجمین بعضاً توجه کرده و زیر عنوان "میس بارنی و کتاب مفاوضات" چنین می نویسد:

"میس بارنی که بعدها بواسطه ازدواج با مسیو هیپولیت دریفوس (۲) مادام دریفوس بارنی خوانده شد. اشتیاق تامی برای تحصیل کمالات روحانی و کسب فیوضات معنوی داشت و حضرت عبدالبهاء او را به لقب امه‌البهاء مفتخر و سرافراز فرمودند در زمان تشرّف این عبد سه مرتبه برای کسب فیض مشرف شد، دفعه ی اخیر امه‌الله میس روزنبرگ اهل لندن (۳) را بعنوان منشی و کاتب همراه آورد و تقریباً مدت یکسال توقف نمود..... از فرط اشتیاق که برای درک حقایق و معانی داشت زندگانی مدینه ی مظموره ی عکا و بیت محقر سجن محبوب امکان را به جمیع قصور عالیه ممالک غرب ترجیح می داد با داشتن ثروت و استطاعت و مال و منال در عنفوان جوانی با این ترتیب زندگانی علاقه مفرطی داشت اوقات خود را در خدمت و رقات مقدسه می گذراند و برای تمرین زبان انگلیسی ایشان مساعدت می نمود و در بحبوحه انقلابات عکا در حال انزواء و اعتکاف با کمال روح و ریحان به جمع آوری آثار مبارک اشتغال داشت..... با این حال تقوائی که داشت منظور نظر عنایت بود و گاهی بر سبیل مزاح باو می فرمودند تو باید در این فصل گرمای تابستان در قصور و عمارات عالیه سویس و جبال با صفای اروپا زندگانی کنی در این مدینه ی

خرابه ی عکا با فقرای مسجون چرا بسر می بری؟ این گونه اشارات تلطف آمیز بسیار می شنید و بر خلوص و اشتیاق میافزود در هنگام توقف یکساله خود تنها شخصاً بر حقایق و رموز امری آشنا شد بلکه وسیله انتشار فیض الهی بین خلق گردید یک کتاب بسیار مهمی از بیانات مبارک بیادگار گذاشت و این فلسفه دیانتی متین را بلسان فارسی و انگلیسی در تحت عنوان مفاوضات (۵) عبدالبهاء تدوین نمود و ترتیب جمع آوری این کتاب از این قرار است:

این خانم مانند سایر دوستان غربی در سر سفره درک فیوضات می نمود و بقراری که در فصول عدیده این کتاب از کثرت مشاغل مبارک اشاره شد تنها وقتی که برای جواب سئوالات این خانم مفید بود همانا در سر میز بود آنهم فقط در هنگام ناهار یعنی ساعت یک بعد از ظهر زیرا هیکل مبارک در شبانه روز یک وعده بیشتر غذا میل نمی فرمودند و در ایام صیام ناهار روز به افطار شام مبدل می گشت بالجمله این گفتگو بر سر ناهار که نام اصلی این کتاب است هر چند خوب وسیله ای بود که هیکل مبارک ساعت معینی را برای صرف غذا جلوس فرموده و غذای ماکول مسلمی را تناول فرمایند و مثل سایر اوقات بی ترتیب و بساعت های مختلف به نان و زیتون و یا نان و پنیر اکتفا نفرمایند و لکن اوقاتی که برای تفهیم مطالب و تشریح نکات صرف می شد دیگر فرصت اکل طعام باقی نمی ماند... در هر حال خاطر مبارک از این زحمت بهیچوجه آزرده نبود و از این خستگی اظهار ملالت نمی فرمودند، مخصوصاً یکروز که از سر سفره بر خاستند مختصر اظهار خستگی نموده سپس باین عبارت اظهار مسرت فرمودند: باز خوب است که الحمدالله بعد از این همه زحمت مطلب را خوب می فهمد و رفع خستگی می شود، اگر با همه این تفصیل، مطالب را خوب درک نمی کرد من چه می کردم؟ مقصود این است که هیکل مبارک از زحمات این خانم راضی و مسرور بودند. ترتیب جلوس در سر سفره بیشتر اوقات چنان بود که هیکل مبارک در رأس میز و طرف چپ میس بآرنی و زیر دست ایشان میس روزنبرگ سپس یکعده هشت یا نه نفر دیگر از مسافرین یا

مجاورین حاضر بودند و این عبد عموماً در زیر دست مبارک روبروی میس بارنی می نشستم سئوالات ایشان را از انگلیسی به فارسی ترجمه نموده جواب مبارک را مجدداً بانگلیسی ترجمه و ابلاغ می کردم و امه الله روزنبرگ سئوال و جواب هر دو را به سرعت می نوشت اما باید دانست که مطلب باین سهولت و سادگی انجام نمی گرفت زیرا میس بارنی ناچار بود مطلب خود را اولاً به مترجم بفهماند و مترجم عین مطلب را فهمیده یا درست نفهمیده بسمع مبارک برساند و جواب را سنجیده یا نسنجیده بزبان انگلیسی اما با لحن شرقی و اصطلاح امری ترجمه نماید و میس روزنبرگ مسموع خود را برشته تحریر در آورد. اگر از برای شخص مسائل اقناع حاصل نمی شد تکرار مطلب لازم می آمد و این تکرار موجب اطاله ی کلام و باعث تأخیر و تعطیل اکل طعام می گردید.

ادامه دارد

توجه: با پوزش از جناب آقای دکتر گیو خاوری دانشمند گرامی ممتنی است جمله EDITED BY SHOGI EEFENDI به حاشیه مقاله ملاحظاتی چند در باره تاریخ نبیل صفحه ده مجله شماره ۲-۱-۲۹۰ افزوده گردد.



ملکوت الله

کلمهٔ ملکوت و ملکوت الله و ملکوت خدا بمعنی سلطنت الهی، در کتب مقدسه مخصوصاً انجیل جلیل کراراً بکار رفته و در آثار و الواح کار برد وسیعتری یافته است مانند: ملکوت ابهی، ملکوت اعلی، ملکوت بیان، ملکوت امر، ملکوت اسما، ملکوت انشاء، ملکوت جمال و ای خادم ملکوت، ای طالب ملکوت و بنت ملکوت و خانم ملکوتی و اخلاق ملکوتی و ترکیباتی دیگر. ملکوت از نظر لغوی مبالغه ملک و ملک هر دو می باشد که اولی بمعنی سلطان و ثانی بمعنی فرشته است.

سعدی علیه الرحمه این دو کلمه را در بیتی زیبا بصورت تذکر چنین گفته است:
 گر وزیر از خدا بترسیدی آنچنان کز ملک متک بودی
 اولین بار این کلمه در توراة سفر دانیال ۱۳ - ۷ که بوسیله رؤیا بشارت به ظهور و سلطنت الهی میدهد آمده است.

ابتدا از چها وحش: شیر، خرس، پلنگ و حیوانی مهیب یاد می کند که تعبیرش چهار پادشاه مقتدر است. زیرا که آنها بی خبر از عالم انسانی و روحانی اند متکی بقدرت مادی و بدنی اند و مانند وحوش درنده با یکدیگر می جنگند. آنگاه می گوید: "در رؤیای شب نگریستم و اینک مثل پسر انسان با ابرهای آسمان آمد و نزد قدیم ایام رسید و او را بحضور وی آوردند و سلطنت و جلال و ملکوت به او داده شد تا جمیع قومها و امتهای و زبانها او را خدمت نمایند سلطنت او سلطنت جاودانی و بی زوال است و ملکوت او زایل نخواهد شد." باز همان دانیال در رؤیایی دیگر در باب ۴۲ - ۲ می گوید: "و در ایام این پادشاهان (که همه جنگ و خصومت و خرابی از آنها ظاهر می شود) خدای آسمانها سلطنتی را که تا ابد الابد زایل نمی شود برپا خواهد نمود و این سلطنت به قومی دیگر منتقل نخواهد شد بلکه تمامی آن سلطنت ها را خرد کرده مغلوب خواهد ساخت و خودش تا ابد الابد استوار خواهد ماند." و اشعیای نبی در باب ۶ - ۹ می گوید: "زیرا که برای ما ولدی زائیده و پسری

به ما بخشیده شد و سلطنت بر دوش او خواهد ماند و اسم او عجیب و زیبا، مشیر و خدای قدیر و پدر سرمدی و سرور سلامتی (رئیس و سرور صلح) خوانده خواهد شد ترقی سلطنت و صلح و سلامتی او را بر کرسی داود و بر مملکت وی انتها نخواهد بود تا آنرا به انصاف و عدالت از الان تا ابدالآباد ثابت و استوار نماید. غیرت یهوه صبیوت این را به جا خواهد آورد.^(۱)

حضرت مسیح این کلمه و اصطلاح را زیاد بکار برده و در هر مورد اراده خاصی از آن داشته است. در جائی منظورش احکام و شریعت خود می باشد چنانچه بالصراحه می فرماید: "وای بر شما ای ماتبان و فریسیان ریا کار که در ملکوت آسمان را بروی مردم می بندید زیرا خود داخل آن نمی شوید و داخل شوندگان را از دخول مانع می شوید. (۱) متی ۱۳ - ۲۳ و در جائی دیگر می فرمایند: "ملکوت خدا با مراقبت نمی آید. و نخواهند گفت که در فلان یا فلان جاست زیرا اینک ملکوت خدا در میان شماست." در متی ۶ - ۱۰ به حواریون فرماید: "نزدگوسفندان گمشده آسمان ذکر شده، منظور از آسمان در کتب مقدسه علو و سمو مقام و منزلت و عوالم روحانی و الهیست نه مکان بالائی، جنبه معنوی دارد نه مادی زیرا سلطنت و فیض خدا اختصاص به مکانی معین ندارد فیض و فضل و قدرت و سلطنتش همه جا بسط دارد و موجود و نزدیک است قرب و بُعد از ماست نه از او. در قرآن مجید آمده است *تَحْنُ أَقْرَبُ إِلَیْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرْدِ* (۱۵ - ۵۰) یعنی مازرگ گردن باو (انسان) نزدیکتریم.

دوست نزدیکتر از من به من است این عجب تر که من از وی دورم
چکنم؟ با که توان گفت که او در کنار من و من مهجورم
(سعدی)

(۱) - کتاب تورا و انجیل فارسی را از روی اصل عربی ترجمه کرده اند و در نسخه های انگلیسی کلمات گاهی بهتر مفهوم را منتقل می کند مانند کلمه سلطنت Kingdom و سلامتی Peace و عجیب Wonderful که بمعنی زیباتر نیز میباشد و کلمه بها، سه معنی: زیبا و نور و جلال را با هم دارد؛

در کتاب عهد جدید حضرت مسیح این کلمه را گاهی نیز برای آینده بشارت داده و برای تذکر و توجه مسیحیان آنرا در دعای یومیّه گنج‌انیده و گفته است که شما اینطور دعا کنید: (متی ۶/۹)

ای پدر ما که در آسمانی نام تو مقدّس باد ملکوت تو بیاید اراده تو چنانکه در آسمانست بر زمین نیز کرده شود. و در تمثیلی دیگر ملکوت خدا را برای ظهور چنین تبیین می فرماید: (متی ۴۳-۲۱/۳۳)

و مثل دیگر بشنوید صاحب خانه ای بود که تا کستانی غرس نموده حظیره‌ای گردش کشید و چو خُستی در آن کند و برجی بنا نمود پس آن را به دهقانان سپرده عازم سفر شد و چون موسم میوه نزدیک شد غلامان خود را نزد دهقان فرستاد تا میوه های او را بر دارند. اما دهقانان غلامانش را گرفته بعضی را زدند و بعضی را کشتند و بعضی را سنگسار نمودند. باز غلامان دیگر بیشتر از اولین فرستاد بدیشان نیز بهمانطور سلوک نمودند با لآخره پسر خود را نزد ایشان فرستاد گفت پس مرا حرمت خواهند داشت. اما دهقانان چون پسر را دیدند با خود گفتند این وارث است بیائید او را بکشیم و میراثش را ببریم. آنگاه او را گرفته بیرون تا کستان افکنده کشتند پس چون مالک پاکستان آید بآن دهقانان چه خواهد کرد؟ گفتند البته آن بد کاران را بسختی هلاک خواهد کرد و باغ را بیابانهای دیگر خواهد سپرد که میوه هایش در موسم بدو دهند... از این جهت شما را می گویم که ملکوت خدا از شما گرفته شده به امتی که میوه اش را بیاورند عطا خواهد شد. (۲) (متی ۴۳- ۲۱/۳۳)

جناب نعیم اعلی الله مقامه این مثل را با تعبیر و تأویلش چنین بنظم آورده است:

۱- در قرآن مجید نیز این تذکر به اهل کتاب یعنی علما داده شده: یا اهل کتاب لم تکفرون بایات هم و انتم تشهدون ۳/۶۲ قل یا اهل الکتاب لم تصدّون عن سبیل الله ۳/۹۴ یا اهل الکتاب لم تلبسون الحق بالباطل و تکتُمون الحق و انتم نعلمون ۳/۶۴
۲- در ادیان گذشته

پس سپردش بدست دهقانان
چاکری بهر بار تاکستان
بفرستاد دیگری پس از آن
باز فرزند خویش کرد روان
تاکه گردند مالک بستان
بوستان را ز بوستانیانان
باغ باشد شریعت یزدان
پدر اینک مهیمن مَنان
صاحب الاقترار والعبور

گفت شخصی نشاند تاکستان
خود سفر کرد پس روانه نمود
پس فرستاده شد بدست نهی
آن هم آزرده باز گرداندند
نور چشم عزیز او کشتند
او خود البته آید و گیرد
علما جمله باغبانانند
انبیا چاکرو مسیح پسر
مَالِكُ الْمَلِكِ الْمَلِكُ

اظهار امر خفی و تدریجی مسیح

در متی ۹/۳۵ فرماید: "عیسی در همه شهرها و دهها گشته در کنایس ایشان تعلیم داده به بشارهٔ ملکوت موعظه مینمود."

یحی تعمید دهنده نیز موعظه میکرد و می گفت: "توبه کنید زیرا ملکوت آسمان نزدیکست." (متی ۳/۲)

حضرت مسیح دوازده شاگرد خود را طلبیده ایشانرا گفت..... "چون می روید موعظه کرده گوئید که ملکوت آسمان نزدیکست." (متی ۱۰/۷)

که منظور شریعت خود حضرت مسیح است زیرا حضرت مسیح در ابتدا صریحاً اظهار امر علنی نمی کرد چنانچه وقتی او بتنهائی دعا می کرد و

شاگردانش همراه او بودند از ایشان پرسیده گفت: مردم مرا که می دانند؟ در جواب گفتند یحی تعمید دهنده و بعضی الیاس و دیگران می گویند که

یکی از انبیای پیشین بر خاسته است بدیشان گفت: شما مرا که می دانید؟ پطرس در جواب گفت: "مسیح خدا" پس ایشانرا قدغن بلیغ فرمود که هیچ

کس را از این اطلاع مدهید. (لوقا ۲۱-۱۸/۹۹)

ادامه دارد

۲- (بقیه در ادیان گذشته) علما سبب تفرقه و اختلاف بودند و مانع از اقبال و ایمان مردم شدند روی همین اصل حضرت بها، الله پیشوائی و ملائی، دیانت بهائی حذف فرمودند.

متن سخنرانی دکتر طلعت بصّاری (قبله) در پانزدهمین کنفرانس دوستداران ادب و فرهنگ

مارچ ۲۸

ادامه مطالب پیشین

زن ایرانی در دو قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی

را که رشادتی به خرج می دهد در تعریف او می گوید او زنی مانند زینب پاشا است و یا هر وقت با گرانفروشی برخورد می کنند و از عهده اش بر نمی آیند با اندوه و حسرت می گویند فقط زینب پاشا از پس شما نامردان بر می آید. متأسفانه با تمام فداکاریهای زنان در تدوین قانون اساسی مشروطیت ایران حتی بر ایشان در نظر گرفته نشد و نوشتند که زنان و محجورین و دیوانگان و ورشکسندگان به تقصیر حق انتخاب کردن و انتخاب شدن ندارند. از فعالیت‌های زنان حق طلب هر چه گفته شود کم گفته شده بانوان و مردان نیک اندیش به زبان شعر و نثر هر دو برای روشن شدن اذهان ملت می کوشیدند و در یک چیز که بسیار مورد توجه و خواسته آنان بود بر داشتن چادر بود. پروین می گوید:

چشم و دل را پرده می بایست اما از عفاف

چادر پوشیده آیین مسلمانان نبود

زندخت می گوید:

ندانم این کفن و پیچه و نقاب چیه؟

اگر که ما بشر هستیم این حجاب چیه؟

ژاله قائم مقامی می گوید

خواهرم پرسید فرق مرد و زن در چیست هان

گویمت این قصه را با نکته ای سر بسته اما

در دکان آفرینش جنس ما و اوست یکسان

عمر ما طی می شود در کیسه ای سر بسته اما

بر فراز کاخ هستی او به پرواز است ما هم

جنبشی داریم در کنج قفس پر بسته اما

تا آنجا که از آینده دختران صحبت می کند توصیه می کند که:

گر تو را آتش به دامان زد به چادر در فکن

گو مرا کافر شناسد شیخ از این فتوای من

ایرج میرزا می گوید:

که توی بقچه و چادر نمازی

چرا مانند شلغم در جوالی؟

تو خانم جان نه بادمجان مایی

به هر چیزی بجز انسان شبیهی

نمی گردد در این چادر دلت تنگ؟

زنان تاکی گرفتار حجابند

خدایا زین معما پرده بردار

به قربانت مگر سیر و پیازی

تو مرآت جمال ذوالجلالی

سر و ته بسته چون در کوجه آبی

بدان خوبی در آن چادر کریهی

تو ای بامشک و گل هم سنگ و هم رنگ

خدایا تاکی این مردان بخوابند

چرا در پرده باشد طلعت یار

حق طلبی زنان نه تنها در ایران بلکه در اروپا و آمریکا و کشور های دیگر هم

به شدت وجود داشته و هنوز هم دارد. مهمترین قسمت آن به صورت

فمینیسم از اوایل قرن بیستم آغاز شد که تا امروز هم مطرح است: فمینیسم

میان جنسیت بیولوژیکی و جنسیت اجتماعی زن تفاوت می بیند، فمینیسم

استبداد مرد سالار را رد می کند و با نوع تعریف مردان از زیبایی زن مخالف

است و عقیده دارد در سیستم مرد سالار هویت زن بوسیله زیبایی تعریف

می شود و زن اگر خود را شناسد در برابر این نظر قدرت خود را از دست

می دهد و شکننده می شود و از مردان می خواهد که به زن مانند انسان

نگاه کنند و به حقوق و آزادیهای او احترام بگذارند. مخالفان فمینیسم

می گویند فمینیسم زنان را زشت می کند و زنان، مردان بدون ریش و سبیل

هستند.

سخن کوتاه آنکه در دوران پنجاه سال سلطنت پهلوی زنان ایرانی حقوق بسیار

به دست آوردند که انکار کردنی نیست. ۱۷ دی سال ۱۳۱۴ به دستور رضا شاه چادر از سر زنان بر داشته شد و بزرگترین خدمت به جامعه زنان ایرانی شد و آن بر آوردن آرزوی نیک اندیشان و زنان و مردان آزاده ایرانی بود. دختران توانستند به دانشگاه بروند و در کار های اجتماعی و اداری شرکت کنند. در زمان پادشاه فقید ایران محمد رضا پهلوی با تشکیل دادگاه حمایت خانواده و به دست آوردن حق طلاق و نگاهداری بچه هایش پس از طلاق و داشتن حق رأی در انتخابات دو مجلس شورایی و سنا، رسیدن به مقام وزارت، و کالت، قضاوت، سناتور، استادی، نظامیگری، خلبانی، و خلاصه رسیدن در تمام شوؤن مملکتی دوش به دوش مردان، حتی ملاحظه می شود که ملکه مملکت به مقام نایب السلطنه بودن می رسد.

همیشه گفته و می گویند که حق گرفتنی است، اما حال من می گویم که در در زمان بلوغ تعقل و تفکر و عدالت حکم می کند که حق دادنی است و باید حق به حق دار برسد، در این هنگامه حق کُشی و حق طلبی ندایی بلند می - شود که زن و مرد هر دو بشر و بندگان یک خداوندند و نزد خدا ذکور و اُنات نیست و ملاحظه می کنیم که جامعه بی نطلبیده مطلوب را یافت و نادویده به مقصد رسید یعنی جامعه بهایی. مردان بهایی از روی ایمان می دانند که زن و مرد در حقوق مساوی اند و با زن سر جنگ و ستیز ندارند یا بالعکس، آنان می دانند که در شرایط مساوی تعلیم و تربیت دختر ارجح از تعلیم پسر است چون مادر می شود و فرزند پرور. زن و مرد بهایی می دانند که صلح واقعی باید به دست زنان و مادران بر قرار گردد. حضرت عبدالبها، چنین تعلیم می دهند. "ممکن نیست سعادت عالم انسانی کامل گردد مگر به مساوات کامله زنان و مردان" و نیز می فرمایند "هرگاه تساوی کامل حقوق میان زن و مرد تحقق یابد آرزوی صلح نیز تحقق خواهد یافت". هیچ چیز در دنیا زیباتر و دل انگیز تر از صلح و آشتی و دوستی نیست که بر قراری آن بزرگترین آرزوی انسانهای نوع دوست و حقیقت خواه است.

زن به عنوان رکن خانه هستی و جوهر الفت و محبت و وظیفه یی را که به عنوان اول مرتبی طفل عهده دار است مهمترین عامل مؤثر در برقراری صلح غیر مسلح و صلح کاغذی خواهد بود.

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

زن دارای اخلاق ملایم و صلح آمیز است و در تعدیل اخلاق بشر مؤثر و به صلح کمک نموده و در پارلمانها و سایر تشکیلات از گذاشتن قوانین خشن جلو گیری به عمل می آورد زیرا هیچ مادری راضی به کشته شدن فرزندان خود در جنگ نیست پس جهد نمایند تا آمال صلح عمومی بین المللی از راه مساعی زنان تحقق یابد.... مادر مشقات و بلیات طفل را تحمل کرده پس بر مادران بی نهایت صعب و ناگوار است که جگر گوشگان و پروردگان آغوش عشق و محبت خویش را به میدان حرب روانه نمایند . علیهذا چنین خواهد شد که چون نسوان کاملاً در امور این جهان سهیم گردند و با مردان تساوی و برابری حاصل کنند جنگ موقوف شود، زیرا مانع و رادع جنگ نسوان خواهند بود. در این شک و تردیدی نیست. (نقل از سیر تکامل حقوق زن در تاریخ و شرایع) حکومتها و دولت ها با گذاردن قوانین مدنی که هرگز به اندازه قوانین الهی در دل و جان بشر رسوخ و نفوذ ندارد - به زنان حقوقی اعطا می نمایند و یا با عقد قرار دادهای صلح را برقرار می سازند ولی می دانیم که پذیرفتن اصل تساوی و لزوم برقراری صلح عمومی باید از راه تعلیم و تربیت در دل و جان بشر جایگزین گردد و هیچ کس بهتر از زن نمی تواند این وظیفه مهم را عهده دار گردد. بهمین جهت است که در دیانت مقدس بهایی تعلیم و تربیت دختران مقدم بر پسران شمرده شده.

"مادر دانا توانا پرورد فرزند را"

پس با توجه به اصل مهم تعلیم و تربیت و غلبه بر جهل که علت اصلی سقوط و عقب ماندگی مردم و پایداری تعصبات است "با وجود این جهل دسترسی به صلح و مکارم اخلاقی بسیار صعب و مشکل می باشد، تأثیر زن به عنوان مادر یعنی اول مربی کودک در برقراری صلح اشکار است، و باید از همان بدو طفولیت مسئله تساوی حقوق زن و مرد و ترک هر نوع تعصبات و مفهوم دیگر

خواهی و جهان دوستی و بالاخره " ای اهل عالم سراپرده ی یگانگی بلند شده به چشم بیگانگان یکدیگر را ببینید، همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار" و نفرت از جنگ تعلیم داده شود تا صلح حقیقی و واقعی برقرار گردد و چهره گشاید.

به فرموده معهد اعلی بیت العدل الهی "استقرار صلح جهانی نه تنها امکان دارد بلکه اجتناب ناپذیر است و مرحله ی دیگری از ترقی و تکامل عالم بنا بر این زمان وظیفه اصلی جامعه بهایی بخصوص زنان با توجه به اصل مهم تعلیم و تربیت، ارشاد جامعه بشری به طرف صلح است و باید با تمام قوا در تفهیم و تبلیغ آن جد و جهد وافی مبذول دارند. ملاحظه می فرمائید که چه وظیفه سنگینی را عهده دار هستیم. پایان

مآخذ و منابع

۱ - پیام صلح خطابات مبارک بیت العدل اعظم

۲ - دیوان پروین اعتصامی

۳ - شاهنامه فردوسی

۴ - دیوان عارف قزوینی

۵ - دیوان رکن الدین اوحدی مراغه ای

۶ - دیوان نظامی

۷ - دیوان جامی

۸ - گلستان سعدی

۹ - تاریخ ادبیات استاد دکتر ذبیح الله صفا جلد اول

۱۰ - دیوان ژاله قائم مقامی پژمان بختیاری

۱۱ - زناخت دکتر طلعت بصری

بقیه در صفحه ۵۴

جناب دکتر مشرف زاده
ادامه مطالب پیشین

آهنگ حیات اجتماعی

۳- با در نظر گرفتن تقسیمات دور بهائی و مخصوصاً عطف توجه به نقشه - های بین المللی و مؤتمرها و جشن های امری این حقیقت مکشوف می شود که تواتر و آهنگ (RHYTHM) در این دیانت مقدّس مبتنی بر ایام محرّمه تسعه امری بطور عام و اظهار امر علنی جمالقدم جلّ ذکره الاعظم بطور خاص میباشد. نکته مهم اینجاست که در بین تعطیلات امری آنچه مربوط به سالروز ظهور مظهر ظهور کلی الهی بوده (رضوان) از اهمیت و جلال خاصی برخوردار بوده و می باشد حق هم همین است چون بر طبق کتاب مستطاب اقدس آیه ۲۵۶ میفرماید "قل ان العید الاعظم لسلطان الاعیاد" مظهر ظهور الهی تولد ظاهری و صوری وجود مبارک خود را در مقابل تولد امر اعظم ابهائیش تقریباً نا دیده انگاشته و مبشّر عظیم و فداکارش نیز تولد و شهادت و حتی رسالت خود را موکول باراده او فرموده، غصن اعظم منشعب از اصل قدیمش نیز تولد و جلوس بر کرسی وصایت و مسعود خود را نثار فرموده و غصن ممتاز خصل نصیر ربّانش نیز وجود خود را بنحوی محو مظهریت مقدّسش کرده که حتی صعود مبارکش همانطوریکه ملاحظه شد تغییر و تجدید عهد (EPOKE) نیز در تقسیمات نظم بدیع جهان آرایش ننموده است.

ذیلاً واقعات مربوط به هر کدام از ایام تسعه را که مقارن با سالروز آن یوم انتخاب و تعیین شده اند بررسی میکنیم:

اول عید رضوان (شامل ۱۲ روز)

۱- گذاردن سنگ بنای مشرق الاذکار آمریکا بدست مبارک حضرت عبدالبهاء، ۱۹۱۲

۲- نزول الواح تبلیغی ملکوتی حضرت عبدالبهاء، DIVINE PLAN ۱۹۱۹

۳- تقدیمی لقب SIR سر از طرف دولت انگلیس به پیشگاه حضرت عبدالبهاء،

بمناسبت نجات مردم از قحطی جنگ ۱۹۲۰

۴- شروع اولین نقشه ۷ ساله آمریکا ۱۹۳۷

- ۵ - شروع نقشه دوم ۷ ساله آمریکا ۱۹۴۶
 - ۶ - افتتاح مشرق الاذکار آمریکا ۱۹۵۳
 - ۷ - شروع نقشه جهاد اکبر ۱۰ ساله ۱۹۵۳ و کنفرانس عظیم شیکاگو
 - ۸ - انتصاب اولین اعضاء هیئت معاونت ۱۹۵۴
 - ۹ - تشکیل اولین کانونشن بین المللی بهائی و انتخاب اعضاء اولین بیت العدل اعظم ۱۹۶۳
 - ۱۰ - شروع نقشه ۹ ساله بین المللی ۱۹۶۴
 - ۱۱ - شروع نقشه ۵ ساله بین المللی ۱۹۷۴
 - ۱۲ - شروع نقشه ۷ ساله بین المللی ۱۹۷۹
 - ۱۳ - افتتاح خانه عبدالله پاشا برای زیارت زائرین ارض اقدس ۱۹۸۳
 - ۱۴ - شروع نقشه ۶ ساله بین المللی ۱۹۸۶
- همانطوریکه ملاحظه می شود تقریباً وقایع امری در طول تاریخ برپایه اظهار امر علنی جمال اقدس ابهی و به میمنت سالروز آن واقعه عظیم انتخاب کرده است.
- دوم - اظهار امر حضرت ربّ اعلیٰ (۲۳ می ۱۸۴۴) مقارن با تولد حضرت عبدالبهاء،
- ۱ - جشن صد ساله و انعقاد اولین کانوشن ملی آمریکا ۱۹۴۴
 - سوّم - شهادت حضرت ربّ اعلیٰ و جناب انیس (نهم جولای ۱۸۵۰)
 - ۱ - اتمام گنبد و دیوار مقام اعلیٰ ۱۹۵۰
 - چهارم - صعود جمال اقدس ابهی ۲۹ می ۱۸۹۲
 - ۱ - کنفرانس بزرگ بین المللی بهائی در ۱۹۹۲ در نیویورک تشکیل خواهد شد
 - پنجم - تولد حضرت باب ۲۰ اکتبر ۱۸۱۹
 - ششم - تولد جمال اقدس ابهی ۱۲ نوامبر ۱۹۱۷
 - هفتم - یوم البهاء من شهر البهاء نوروز
 - صدور توقیعات مبارکه حضرت ولی امرالله هر سال بمناسبت نوروز از جمله توقیعات مبارکه ۹۵، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۳

ادامه دارد



از شعر تا حکایت از نشر تا روایت (بخش ۱)
تهیه و تنظیم جناب همایون حسامی
(سال ۲۱ شماره ۲ آهنگ بدیع) (عزیزالله مصباح)

عروس بهار

باز عروس بهار پرده ز رخ برگرفت
ساحت صحرا چو خلد فرهی و فر گرفت
شاهد طنناز گل جلوه گری کرد ساز
بلبل دستان سرازمزمه از سر گرفت
نرگس مخمور شست چشم ز خواب خماری
صبحدم از دست آبر چون دوسه ساغر گرفت
پادشه فرودین پیکر گل گشت از
نسترن و یاسمن در دُر و گوهر گرفت
کرد به تن کوهسار پیرهن عبقری
دشت ز دست صبا دیبه ششتر گرفت
در ر شاهسوار باغ بجیب اندرون
گنجی شایان تر از دولت قبصر گرفت
تا که معطر کند صومعه بوستان
لاله آتش پرست عور به مجمر گرفت
هریک از آن نقش ها صنعت صورتگریست
کان صور از بهر خویش منظر و مظهر گرفت
هستی اعیان همه ذره و یا آفتاب
هست چو عکسی درست کاینه زاختر گرفت
در دل مهر ار نتافت پرتو نار اثیر
فر و فروغ از کجا مهر منور گرفت

عقل بتارک اگر تاج به تارک نهاد

وز گهر علم و فضل بر سر افسر گرفت

ناطقه نیروی نطق یافت از آن کو بعجز

دامن افصال آن ناطقه پرور گرفت

عشقش در سر فکند شور و بدان شور عقل

از شکرستان فکر قند مکرر گرفت

دانش و هوش بشر راه به وحدت نبرد

گر نه خلیلش نظر از بت و آذر گرفت

موسی کرد ار نه خلع از پا نعلین و هم

ز آتش سینا کجا شعله و اخگر گرفت

ذات قدم گشت در هیکل ابهی عیان

گیتی از نفخه اش روح سراسر گرفت

هیأت الفاظ یافت از چه نظام و قوام

فعل و صفت اشتقاق گر نه زمصدر گرفت

مانه بخودمی رویم در خم این ره که گوی

در کف چوگانی است کرد رها در گرفت

طالب معنی بعلم قامت جان زیب داد

عاشق صورت به مال زینت و زیور گرفت

تا سر خمار هست مست و خمار از نبید

کی سزدش جام از ساقی کوثر گرفت

از محن روزگار پاک نه (مصباح) چون

در کنف رحمت رأفت داور گرفت

تعداد بهائیان در جهان چقدر است؟

تخمین دقیق تعداد پیروان هر یک از ادیان جهان کاری پیچیده و مشکل است.

در برخی از نقاط جهان وضعیت ادیان و شرایط خاص حکومتها مانع از شمارش دقیق پیروان ادیان آنهاست. در برخی دیگر ارتباطات ضعیف و یا میزان مسافرتها جمع آوری داده ها را مشکل می سازد تخمین شمار بهائیان علاوه بر این از پیچیدگی بیشتری بر خوردار است چرا که بسیاری از بهائیان جهان در کشور - های در حال توسعه زندگی می کنند و از پیشینه های فرهنگی و مذهبی مختلف هستند و بنا بر این حتی بر رسیهای دقیق نیز آمار صحیحی از شمار آنها نشان نمی دهد. با دانستن مشکلات موجود و با هدف ارائه دقیقترین آمار، مرکز جهانی بهائی با محافظه کاری بسیار تعداد بهائیان جهان را حدود شش میلیون نفر تخمین زده است.

این دقت محافظه کارانه وقتی بیشتر جلوه می کند که با آمارهای دیگر مقایسه شود. برای نمونه دائره المعارف بریتانیکا در جدولهای آماری منتشر شده در کتاب سال ۲۰۰۳ میلادی خود تعداد پیروان دیانت بهائی در سال ۲۰۰۲ میلادی را ۷۴۰۶۰۰۰ نفر تخمین زده است. آنچه در تمام روشهای آماری بطور یکسان نمایان است میزان رشد دیانت بهائی است که در مقایسه با سایر ادیان مستقل جهان از میزان بالائی بر خوردار است. بر اساس آمار منتشر شده در سال ۲۰۰۱ میلادی میانگین میزان رشد دیانت بهائی در دهه ۹۰ میلادی ۲،۲۸ درصد است.

دومین گسترده ترین دیانت جهان

جوامع بهائی پس از جوامع مسیحی بیشتر از جوامع هر دیانت مستقل دیگر در جهان گسترده اند. این مطلب برای اولین بار در سال ۱۹۸۲ میلادی برابر با ۱۳۶۰ هجری شمسی در دائره المعارف جهان مسیحی عنوان شد. این کار که تلاش مشترک حدود ۵۰۰ پژوهشگر و کار شناس آمار گیری بود نخستین بررسی جامع پیروان ادیان مختلف در سراسر جهان است. بر اساس کتاب سال ۲۰۰۳ میلادی دائره المعارف بریتانیکا، جوامع بهائی در ۲۱۸

کشور و سر زمین تعریف شده توسط سازمان ملل متحد مستقر هستند. در کمی بیشتر از ۱۶۰ سال که از ظهور دیانت بهائی از ایران می گذرد، این دیانت به دومین گسترده ترین دیانت جهان تبدیل شده است و با پیروانی از بیش از ۲۱۰۰ قوم و نژاد و قبیله مختلف، می تواند گونه گون ترین جمعیت متشکل انسانی بر روی زمین باشد.

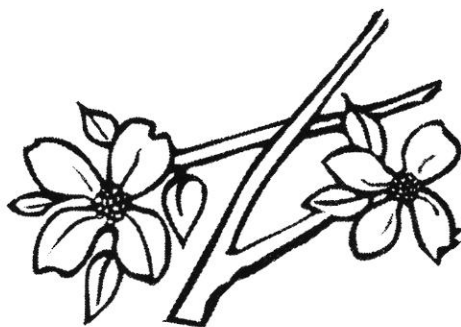
تعطیلات امری در دو ماه مارچ و اپریل

۲۱ مارچ اول فروردین عید صیام و نوروز

۲۱ اپریل اول اردیبهشت عید اعظم رضوان

۳۰ اپریل نهم عید اعظم رضوان

۲ می دوازدهم عید رضوان



نقل از مجله نگین شماره ۲۴ سال ۱۳۸۵

خوشر آن باشد که سر دلبران
گفته آید در حدیث دیگران

رسانی جناب دکتر حشمت شهریار

نگارش جناب فریدون کمالی

ادامه مطالب پیشین

آئین بهائی، زاده ایران و مبراً از هر گونه آرایش سیاسی است

رابطه آئین بهائی و دولت انگلیس

حال نیز چون مطلقاً دوچندترین سند و یا نامه ای، که دال بر رابطه آئین بابی - بهائی با دولت بریتانیای کبیر باشد وجود ندارد، در نتیجه مخالفین آئین بابی - بهائی مجبورند به سفسطه پیردازند و داستانهای بی اساس دیگری بسازند. اما اگر کوچکترین رابطه ای بین دولت بریتانیای کبیر، و آئین بابی - بهائی وجود داشت مسلماً نامه ها و اسناد محرمانه ای، میان جامعه بهائی و سفارت‌های بریتانیای کبیر، رد و بدل گردیده بود. کما اینکه جزئیات ارتباطات معممین و گروه‌های دیگر، با دولت بریتانیای کبیر، و مأموریت‌هایشان، در نامه ها و اسناد گوناگون، مطرح شده است. در ایجا برای ذکر چند نمونه، از کتاب رگ تاک الهام میگیریم.

« اوج گیری نفوذ ملایان، چنان عظیم و همه جانبه بود، که برخی تاریخ پژوهان، از جمله «هما ناطق»، اصولاً این دوره را سر آغاز اقتدار اقتصادی و سیاسی ملایان یافته اند... اگر پیش از آن، دستکم، روابط خارجی کشور (ایران) به طور کلی، در دست دربار بود، از این پس، این حاکمیت حساب خود را از دربار جدا نمود. در این راه، طرف اصلی «معامله» انگلیس بود. و رهبری شیعیان در عتبات، خود را به جیره خوار رسمی این دولت، بدل ساخت.

نکته جالب آنست که از این پس، کنسولگری انگلیس در بغداد، تابع سفارت این کشور، در طهران بود، و نه در اسلانیول. پایه این معامله، از مدتی پیش، بدین صورت فراهم آمده بود. که هاردینگ، سفیر انگلیس، در راه برقراری «رابطه حسنه با مراجع»..... مطرح ساخت، که «غازی الدین حیدر هندی»، پادشاه «اود» بخشی از ثروتش را (یک میلیون ریال به پول ایران) وقف تحصیل محصلین شیعه، در کربلا و نجف کرده است... به جنیش «امل» در لبنان، پرداخت گشت.» (۱)

اسماعیل رانین، در این مورد چنین می نگارد :

«از سال ۱۸۵۰ میلادی تا کنون، به موجب اسناد رسمی حکومت هندوستان و وزارت خارجه انگلیس، در حدود ششصد نفر از علما و روحانیون، از وجوه موقوفه سفارت فخریه انگلیس. در طهران و کنسولگری بغداد، استفاده کرده و حتی عده ای از آنان رسید کتبی نیز دارند.» (۲) بر خلاف آنچه برخی تاریخ نگاران مانند کسروی نوشته اند، این موقوفه را، نه حق سکوت رهبری شیعه، بلکه به عنوان مهمترین اهرم مداخله «افسانه‌ای» انگلیس در ایران، تلقی باید کرد. **اسماعیل رانین**، از قول «هاردینگ» نقل میکند که :

«اختیار تقسیم وجوه «اودهند» در دست من، مانند اهرمی بود، که با آن می توانستم همه چیز را در بین النهرین و ایران، بلند کنم. و هر مشکل راحل و تصفیه نمایم.» (۳)

همانطوریکه ملاحظه می‌گردد، وقتی اسناد محرمانه رو میشوند، حقایق هویدا می گردند.

خوش بود گر محک تجربه آید به میان

تا سیه روی شود آنکه در او غش باشد

آیا تا به حال چنین اسناد و مدارکی، که دال بر جاسوسی و یا همکاری جامعه بهائی، با دولت فخریه بریتانیای کبیر باشد پیدا شده است؟! اسنادی که نشان بدهد، آئین بهائی دست نشانده دولت انگلیس و یا دول دیگر است!؟

(۱) - زرگدنک، دلارام مشهوری : ج ۲ ص ۴-۱۴۳.

(۲) - حقوق بگیران انگلیس در ایران، اسماعیل رانین : ص ۱۰۳.

(۳) - حقوق بگیران انگلیس در ایران، اسماعیل رانین : ص ۱۰۵ - ۹۷.

جناب همایون حسامی

ادامه مطالب پیشین

در تداوم ایمان آغاز یکتا پرستی در مصر

در همان زمانی که پرستش چندین خدای مختلف در مصر رواج داشت فرعون جوانی از زبان پدرش در حال نیایش کلامی دیگر می شنود که با آوایی دل انگیز خطاب به آفتاب عالمتاب چنین نغمه سر می دهد که ای (آتون) ای آفریدگاری که زمین را آفریده ای این نعمات در دل فرعون جوان آتشی را شعله ور می سازد و پس از پدر نام (آمون) خدای مردم را به (آتون) تغییر داده و خود را هم (ایختاتون) یعنی بنده (آتون) می نامد و پس از آن دستور می دهد همه آتون را خدای یکتا دانسته او را ستایش نمایند و در تمام معابد مصر کاهنان بنام آفریدگار جدید سرود و نغمه خورشید را بسرایند اما پس از در گذشت این فرعون یکتا پرست شوهر خواهر او که بجای وی براریکه فرعون تکیه زده بود این نظم و نظام را بر هم زد و دوباره خدای سابق (آمون) را خدای مصریان نامید و این عقیده تا زمان ظهور حضرت عیسی مسیح ادامه داشت.

در این سر زمین از دیر باز تغییر و تحول بصورتی سریع انجام می گرفت و در همین راستا نیز پس از تغییر و تحول بسیار زودگذر که ذکر آن خارج از مبحث مذهبی ما می باشد اقتدار و سلطنت سومریها آغاز گردید ولی با هجوم سامی ها دولت سومری ها رو به افول نهاد و سلطنت جدید سامی ها پس از چندی بدست پادشاهان ایرانی متفرض گردید ولی بهر حال سومری ها بیش از چهار هزار سال الهه و معبود پرستیدنی داشتند که هر کدام جزئی از مظاهر طبیعت بودند ولی شش خدای بزرگ در میان همه خدایان از همه برتر و بالاتر و قدرتمند تر بودند که عبارتند از: ۱- (آتو) خدای بزرگ یا رب الارباب ۲- (آن هیل) یا خدای جنگ ۳- (سین) خدای ماه ۴- (باباس) یا (شماس) خدای خورشید ۵- (آآ) خدای آب و ۶- (نین تاد) مادر مادران که او را

ایشتر نیز می گفتند. شهرت (ایشتر) به سر زمینهای دیگر هم سرایت نمود چنانکه زردشتیان ایران هم او را (آناهیتا) یعنی پاک و منزّه می نامیدند و همراه با آهورا مزدا به ستایش او می پرداختند.

در آن زمان بابل یکی از شهرهای بزرگ و آباد آن سامان بود و بین سالهای ۲۰۶۵ تا ۲۰۶۷ قبل از میلاد هامورایی پادشاه بابل گردید و قوانین هامورایی را برای مردم جهان بیادگار گذاشت و (مردوخ) را خدای بزرگ بابل قرار داد و از آن پس تمام خدایان موجود در تاریخ و ذهنیت مردم به تدریج در خدای بابل حل شد تا اصلاح نمودند و بجای نام دیگر خدایان نام (مردوخ) را نوشتند در الواح گلی بدست آمده و در بابل که به خط میخی نوشته شده است آمده که (مردوخ) در گیتی نظم و ترتیب بر قرار ساخت و در حرکات ماه و ستارگان و رشد گیاهان وضعی ثابت ایجاد نمود تا نوبت به آفرینش انسان رسید و (مردوخ) با مقداری از خون و استخوان خود انسان خلق فرمود و در حقیقت هامورایی ها به نوعی دیگر معتقد به وجود آفریدگار جهان بوده اند، و بسیار جالب است که در همین زمان داستانی کاملاً شبیه داستان طوفان نوح و طغیان دریا و کشتی نوح را می خوانیم که در حماسه جالب (گپل گامش) پهلوان بابلی آمده است و در این داستان با قهرمان دیگری به نام (اوتنایش تیم) آشنا می شویم که نقش نوح و جمع آوری حیوانات را در کشتی به عهده داشته است.

ادامه دارد

مطلوبیت صرفه شریک دار و همکار آرد

خانم مهندس ماه مهر گلستانه
ادامه مطالب پیشین

دو دیانت بابی و بهائی

ادیان سالفه در مورد ثبت وقایع، دیانت بابی بسیار پیشرفته است:

در نتیجه وقایع نگاری و تاریخ نویسی از دوره قاجار تا به امروز توسط چند گروه بوجود آمده است.

- ۱ - آثار باقی مانده از شارعین، مؤسسين و مبینین دیانت بابی و بهائی
- ۲ - نویسندگان و علماء این دو دیانت مانند نبیل و حاجی میرزا احدیر علی، ابو الفضل گلپایگانی، طاهر مالگیری و دیگران آثار گرانبھائی بجای گذارده اند.
- ۳ - نوشته ها و سفر نامه های پادشاهان و شاهزادگان و عکس - ها و مدارک از دوران قاجار.
- ۴ - تألیفات مورخین رسمی و وقایع نگاران درباری قاجار، مانند تاریخ لسان الملک سپهر و تاریخ روضة الصفاى ناصری تألیف رضا قلی خان هدایت که سعی آنها در این بود که مراعات حال شاه را بکنند و آنچه می نویسند مورد رضایت علماء و شاه قرار گیرد.
- ۵ - بیشتر حوادث سیاسی ایام قاجاریه وابسته به سیاست های شرق و غرب بوده. از این رو تعدادی از نویسندگان در آن روزها دیانت بابی و بهائی را بدون مطالعه و اطلاع زائیده این دو سیاست استعماری میدانسته اند، که خوشبختانه با گذشت زمان و منطق شارعین این ادیان و ثبوت پیروان، خلاف آن ثابت شد و عدم دخالت بهائیان در امور سیاسی، این شبهه را برطرف ساخت. گر چه هنوز افرادی دیده می شوند که به انتقادهای بیش از یکصد و شصت ساله معترضین که توسط شارع و مبین و اساتید پاسخ داده شده، تمسک مینمایند.
- ۶ - بعلت علاقه سیاحان خارجی و نویسندگان ایرانی به خاطره نویسی آثار ذیقیمتی بجا مانده است که تعدادی از آنها چاپ شده و یا در آینده امید

طبع و نشر آنها می‌رود. تا به امروز هم هنوز وزرا و سیاستمداران دوران پهلوی به نشر خاطرات خود مبادرت می‌ورزند، که پاره‌ای از آنها صحیح و بعضی از نوشته‌ها خالی از بغض نیست.

۷ - گروه دیگری از تاریخ‌نویسان پس از انقلاب مشروطه مطالبی نوشته‌اند، که از واقعیت بسی دور است. نویسندگان ازلی (پیروان میرزا یحیی ازل) که به سیاست‌های روز پیوسته بودند، نیز بز خدشه دار نمودن تاریخ بایسته افزوده‌اند. گرچه پاره‌ای از اوقات نوشته‌های آنها را باید با چشم باز مطالعه کرد.

۸ - کتبی از عده‌ای از دشمنان، مخالفین دیانت بایی و بهائی، اکنون نیز در ایران بازاری برای خود یافته است و مطالب مغلوط و تکراری ردیه‌های گذشته با چاپهای نامرغوب عرضه می‌شود.

۹ - نویسندگان و خفیه‌نویسان دولتهای مختلف در ایران اوراقی بصورت گزارش روزانه به رؤسای خود ارسال می‌داشتند که مطالعه در آن گزارشات حقایق بسیاری را مکشوف می‌سازد. مانند کتاب "وقایع اتفاقیه" که در دوران سی ساله اواخر قرن نوزدهم و اول قرن بیستم توسط خفیه‌نویسان دولت انگلیس در ایران، به دارالعلم شیراز گزارش می‌شده است. این کتاب پس از یک قرن به همت نویسنده ارجمند و دلیر سعیدی سیرجانی که در حکومت اسلامی رنج زندان را آزمود و جان برسر اعتقادات خود گذاشت. باز خوانی شده و با یک مقدمه جامع به چاپ رسیده است.

۱۰ - کتابهای وزرای درباری قاچار و خاطرات آنها مثل کتاب خاطرات روزانه اعتماد السلطنه از آن زمان باقی مانده که اکنون یکی پس از دیگری به کتابخانه‌ها افزوده می‌گردد.

۱۱ - کتابهای سیاحان و نویسندگانی که خود نیز گاهی در حاشیه گرفتاری - ها واقع شده اند مانند خاطرات حاجی محمد علی سیاح که در مدت دو سال همبند دو نفر بهائی در زندان ۱۳۰۸ هجری قمری در طهران و قزوین بوده است. (۵)

۱۲ - تاریخ نویسان مستقل ایرانی مانند خان ملک ساسانی، مهدی بامداد،

فریدون آدمیت و کسروی، اغلب با نظر بغض و بد بینی به دیانت بابی و بهائی نگرسته اند و بخود اجازه کنکاش در کتابهای بهائی را روا نداشته اند، نا گفته نماند که نویسندگانی چون دلارام مشهوری و کتاب خواندنی "رگ تاک" فصل جدیدی را در بررسی آثار تاریخی مربوط به دیانت بابی و بهائی گشوده است.

۱۳ - روزنامه هائی که در ایران در دورانه‌های مختلف بچاپ می رسیده است. از روزنامه های قدیمی میتوان به روزنامه وقایع اتفاقیه دولتی اشاره نمود. بطور کلی، وجهه همت روزنامه نویس ها همیشه این بوده که با سکوت از کنار مسائل و اخبار دیانت بهائی بگذرند و یا برای بدست آوردن توجه عمومی با زبان و بیان خارج از نزاکت با مسائل این دین برخورد نمایند. البته کوشش بعضی از افراد با انصاف را در طی سالها نباید فراموش نمود. بد بختانه اکنون در جمهوری اسلامی موضوع دیانت بهائی با تعصب و رویارویی بسیار وخیم مورد نظر قرار می گیرد.

۱۴ - روزنامه های فارسی زبان که در خارج از ایران در زمان قاجار منتشر می شده است، مانند روزنامه اختر، چهره‌نما، حبل‌المتین، قانون میرزا ملکم خان و پرورش و هم چنین روزنامه های خارجی بزبانهای مختلف، گاهی اوقات حاوی مسائل در خور توجهی بوده اند.

۱۵ - در کتابخانه ها کتب تاریخی مملو از اشتباه را می بینیم. که اثر طبع نویسندگان ایرانی، مطرودین و گاهی با نام های مستعار است. مؤلفین برای آنکه محبوبیتی در بین مردم عامی بدست آورند از هیچ گونه تهمت و افترا به شاعرین و پیروان دیانت بابی و بهائی خودداری ننموده اند. بعد از انقلاب ۱۳۵۷ برای توجه عامه بارها این اکاذیب و اغلاط چاپ و منتشر شده و مطالب واهی را بعنوان تاریخ برای فارسی زبانان نشر و توزیع نموده اند.

۱۶ - از اوایل این قرن به بعد کتب تاریخی بوسیله دانشمندان و اساتید بهائی از بسیاری از کشور های جهان همراه با اسنادگرانیها به زبان های فارسی و سایر زبانهای زنده دنیا به چاپ رسیده و پیروان بیشماری در نقاط مختلف

جهان به این دیانت گرویده اند.

۱۷ - در طی ۵۷ سال حکومت پهلوی، بهائیان چون اجازه چاپ کتب نداشتند، کتب و مقالات و نشریات خود را بصورت غیر رسمی و از طریق چاپ استنسیل در نهایت حکمت و با مراعات سانسور شدید و با کیفیتی بسیار محدود و نامرغوب منتشر می کردند.

(نگارنده در سالهای ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۲ در انتشار آهنگ بدیع از انتشارات جامعه نقشی داشت و این مشکلات را کاملاً حس می نمود). اکنون که صد ها هزار ایرانی بهائی در ایران مانده اند و جرأت ابراز عقیده ندارند، فرصتی است که محققین و پژوهشگران و نویسندگان خارج از ایران با عزمی راسخ بجستجوی واقعیت ها پردازند. هنوز در گوشه و کنار دنیا و در بین فامیل های قدیمی اوراقی یافت می شود که ما را به گذشته های دور و تاریخ زندگانی اولین گروه مؤمنین هدایت می نماید. از جمله نگارنده، در ژانویه ۱۹۹۴ در شهر اسکندریه مصر پس از گذشت یکصد و ده سال که از نگارش آثار و الواح و نامه های بهائی گذشته و در پرده فراموشی پنهان بود به یافتن قسمتی از اوراق موفق گردید.

۱۸ - منابع مطالعه در مرکز جهانی بهائی، کتابخانه ها و موزه های بزرگ دنیا دارای ارزش بسیار است.

۱۹ - کتابهای تاریخی از اساتید انگلیس مانند جناب حسن بالیوزی، دکتر موژان مؤمن، دانشنامه ایرانیکا، دکتر عباس امانت، پیتر سمیت، ویلیام سیرز، دکتر سهیل بشروئی و بسیاری از دانشمندان باقی مانده است. اکنون نیز بسیاری از اساتید دیگر از بهائی و غیر بهائی در دانشگاه ها و مراکز علمی مشغول پژوهش هستند که مطالب آنها منتشر می گردد.

۲۰ - نشریات بهائی مانند عندلیب، پیام بهائی، پیام بدیع و سایر نشریاتی که کشور های جهان طبع و نشر می شود و بعضی از مجلات، ماهنامه ها و فصل نامه های غیر بهائی، که بدون حب و بغض به درج مطالب می پردازند، بشارت از این دارند که هر روز جستجوگری جدید، به خیل مؤلفانی که در

زوایای تاریک سالهای اولیه امر متحمل مرارت گشته و به نگارش پرداخته‌اند، می‌پیوندند.

۲۱ دانشگاه‌های بهائی و نشریات آنها نیز که برای جوانان در کشورهای مختلف تأسیس شده امید روشنی برای آینده بشمار می‌روند.

۲۲ - نشریات مخصوص پس از برگزاری کنفرانس‌ها و گرد هم آئی‌های بهائیان و دستداران فرهنگ ایرانی مانند نشریه زیبا و ماندنی خوشه‌هایی از خرمن هنر و ادب ایران، پیک دستداران فرهنگ ایران و پژوهش‌نامه و غیره را نباید از نظر دور داشت.

۲۳ - اکنون که رسانه‌های خارجی و ایرانی سعی بر شناختن و حتی معرفی دیانت بابی و بهائی دارند و مخصوصاً در رادیو و تلویزیون‌های ایرانی مسائلی مطرح می‌شود. که سؤال برانگیز است، نظر عموم به این دو دیانت جلب شده است. گفتگوهای تلویزیونی و رادیویی از طرف مسئولین بهائی، پیام دوست و آئین بهائی و انتشار آنها در اینترنت نیز حاوی راه‌گشایی بسیار برای رفع توهمات افراد نا آشنا و روشن نمودن اذهان مردم به این دو دیانت می‌باشد. در آرزوی اینکه محققین در باره شارعین این دو دیانت که از خاک پاک ایران برخاسته‌اند، با چشم باز و دور از تعصبات قدیم و جدید، به تحقیق بپردازند. باید توجه داشت که زمان حال بر طبق گزارشات سازمانهای جهانی، این دیانت، دومین گسترده‌ای است که مردمان بآن می‌گروند.

پانویس‌ها

۱۰ مراجعه شود به کتاب شش جلدی شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری نگارش مهدی بامداد که تقریباً در شرح حال دو مظهر ظهور دیانت بابی و بهائی، رجال، علماء و افراد مختلفی که بدیانت بابی و بهائی گرویدند، در نهایت بی‌انصافی و با کلماتی موهن یاد کرده است. مأخذ بسیاری

از نوشته های او کتاب های بهائی بوده. متأسفانه در آنها جرح و تعدیل و تحریف به عمل آورده و طبق دید دلخواه خود و بدون رعایت انصاف و بی طرفی، بچاپ رسانده است.

۲ - کتاب لیدی شیل همسر وزیر مختار انگلیس در اوائل سلطنت ناصر-الدین شاه، ترجمه حسین ابوتورابیان، چاپخانه نشر نو، طهران ۱۳۶۸، در پانویس صفحه ۲۶۱ در مورد تبعید حضرت بهاءالله از قلم مترجم مطلقاً از محبوس ساختن آن حضرت در سیاه چال طهران بمدت چهار ماه و آنهمه ظلم که به ایشان وارد آمده، اشاره ای نرفته است. در پانویس صفحه ۲۶۲ در حالی که کشتار بابیان را مذموم می شمارد، در باره افرادی که به دیانت بابی گرویدند، حقیقت مطلب را بیان نمی نماید.

۳ - کتاب (یک سال در میان ایرانیان) تألیف پروفیسور ادوارد براون، (از سال ۱۸۸۷ تا سال ۱۸۸۸)، با ترجمه و حواشی بقلم ذبیح الله منصوری، ناشر کانون معرفت، در حدود سالهای ۱۳۴۰ خورشیدی در طهران بچاپ رسیده است.

۴ - برای مثال مراجعه شود به کتاب (خلسه مشهور به خوابنامه تألیف اعتماد السلطنه وزیر انطباعات زمان ناصر الدین شاه چاپ طهران سال ۱۳۵۷.

۵ - در این زمینه مراجعه بفرمائید به کتاب سیمرغان بلند آشیانه، اثر

نگارنده که در باره زندان های سال های ۱۳۰۰ و ۱۳۰۸ هجری قمری محمد علی سیاح که همبند ابو الحسن امین و ملا علی اکبر شهمیرزادی در زندان طهران و قزوین بوده، در کتاب خاطرات خود اسناد گرانبھائی را بیادگار گذاشته است.

جناب دکتر حسین رستگار اعلی الله مقامه

ادامه مطالب پیشین

فلسفه اعداد و حرمت تقدس اعداد

یا به کمک عقل بسوی کمال و علم و عمل می‌رود؟ در هر صورت با اتکا، به بیان جمال اقدس ایهی در لوح حکمت که می فرمایند: قوله الکریم "اَنَا تَجِبُ الْحُكْمَاءَ الَّذِينَ ظَهَرَ مِنْهُمْ مَا انْتَفَحَ بِهِ النَّاسُ وَ اَيَّدْنَا هُمْ بِامْرِ مِنْ عَفْدِ نَا اَنَا كُنَّا قَادِرِينَ" براستی ما حکمائی که از ایشان مردم بهره مند شوند دوست می‌داریم و ایشان بامر ما مؤید می‌باشند و ما قادر می‌باشیم، تعریفی فشرده بزبان فارسی از فلسفه مینگاریم که شاید بتوان به مقصود اصلی فلسفه پی برد: تعریف چنین است "فلسفه دانش ژرف اندیشی و نیک اندیشی انسان فرهیخته است" حال برای ورود به بحث اصلی بایستی این مطلب روشن شود که: آیا برای احباء الهی تحصیل فلسفه ضرور است یا نه؟

تقریباً دو دهه قبل در کلاس عالی تبلیغ در ارض طاء، یکی از دروس اصلی که تدریس می شد فلسفه شرق و منطق بود. مدرس دانشمند این دو درس جناب عزیز الله سلیمانی بودند که معلومات قدیمه بسیار و الائی در علوم ادبیه و عربیه و فلسفه داشتند ضمناً باید دانست که مبلغین قدیمی که اغلب از زمره علماء محسوب می شدند همگی یا بطور کامل و یا مقدماتی به دانش فلسفه آشنائی داشتند. اما استاد عالی‌مقام و براستی ژرف اندیش و نیک اندیش فلسفه شرق و غرب جان باخته جاویدان جناب دکتر علیمراد داودی، استاد دانشگاه طهران در رشته فلسفه بودند و معلومات بسیار عمیقی نیز در تاریخ و ادبیات داشتند که تراوشات آن در کتاب ها و سخنرانی‌هایی که از این روح پاک و گوهر تابناک باقیمانده مشهود می‌باشد. ایشان بعضی مبانی مطروحه در آثار قلم اعلی و تبینات مرکز میثاق را تفسیر و بیان نموده اند که بسیار جالب و خواندنی است و در سال ۱۹۹۴ در انجمن "ادب و هنر" حسامی غیائی رضوی نیز رساله ای تحقیقی در مبانی علمی منتخباتی از

خانم دلیله ثابت (طیّبی) مارچ ۲۰۰۸

ادامه مطالب پیشین

سیر موسیقی در ایران

و آلات طرب را منکوب می نمودند و باین اعمال خود بنام حفظ دین مباحثات می نمودند. ولكن دردیانت جهانی بهائی از براعه مظهر امر الهی و مقام تبیین مرکز عهد و میثاق حضرت عبدالبهاء، و مقام ولایت امر حضرت ولی عزیز امرالله آثار و الواح و توقیعات عدیده عزّ نزول یافته که عظمت و اهمیّت موسیقی چنانچه باید و شاید از آنها مستفاد می گردد و اهل بها به جاست که این آثار طلعات مقدّسه را مطالعه نمایند تا کاملاً به مقام شامخ موسیقی در امری برسد.

۱ - حضرت بهاءالله جلّ السمّه الاعلی در کتاب مستطاب اقدس در حلیت غنا می فرماید (انا حللنا لکم اصفا الاصوات و النغمات ایاکم ان یخرجکم الاصفاء عن شأن الادب و الوقار افرحوا یفرح اسمی الاعظم الذی تولّته الافئده و انجذب عقول المقربین انا جعلناها مرقاة لعروج الارواح الی افق الاعلی لا تجعلو جناح النفس و الهوی ائی اعود ان تکنوا من الجاهلین) که ترجمه آن چنین است (ما حلال کردیم شنیدن صوت ها و نغمه ها برای شما مبادا شنیدن آن خارج کند شمارا از شأن ادب و وقار و شادی کنید بشادی اسم بلند من که بآن به وله می آید قلبها و منجذب می شود عقول مغربین بدرستیکه ما قراردادیم موسیقی را نردبانی از برای بالا رفتن ارواح بسوی افق اعلی قرار ندهید آن را بالای برای هوس و هوی. بدرستیکه ما پناه می بریم بخداوند از اینکه باشید شما از جاهلین).

۲ - در منقبت تلاوت آیات با حسن الحان می فرمایند: (والذین آیات الرحمن با حسنا الالحان اولئک یدرکون منها ما لا یعادلّه ملک السموات و الارض) که معنای آن چنین است: کسانی که تلاوت می کنند آیات پروردگار را با بهترین لحن ها.

۴ - حضرت عبدالبهاء، روح ماسواه فدا در همین زمینه در اعلان صلح عمومی

صفحات (۴۰ - ۵۰) می فرمایند: موسیقی هیجان و تأثیر شدیدی در قلوب اطفال ایجاد میکند زیرا قلوبشان پاک و بی آرایش است و نغمات موسیقی در در آن تأثیر شایان دارد و استعدادهای نهفته که در قلوبشان به ودیعه نهاده شده از طریق موسیقی ظهور و بروز می نماید.

ادامه دارد

ادامه از صفحه ۳۴

- ۱۲ - سالار زنان ایران خانم منصوره پیر نیا
- ۱۳ - تاریخ مشروطیت آقای دکتر احمد کسروی
- ۱۴ - نشریه نیمه دیگر شماره یوم نو نگاری زن و زنانگی در عصر قاجار
- ۱۵ - از کتیبه تا تاریخ خانم پوران فرح زاد
- ۱۶ - زنان سخنور علی اکبر مشیر سلیمی
- ۱۷ - طاهره قره العین آقای حسام نقبائی
- ۱۸ - طاهره قره العین دکتر طلعت بصاری (قبله) (مجله سیمرغ)
- ۱۹ - فمینیسم دومکراسی و اسلام گرایی خانم نیره توحیدی
- ۲۰ - حضور زنان در نهضتها آقای م - جلال زاده
- ۲۱ - زن در دایره (یاد داشتهایی در غربت) خانم جواد
- ۲۲ - حقوق زن در تاریخ و شرایع آقای حسام نقبائی
- ۲۳ - زن و قوانین اجتماع رویا پارسای
- ۲۴ - زنان ایران در جنبش مشروطه آقای عبدالحسین ناهید
- ۲۵ - معایب الرجل بی بی خانم استر آبادی

خانم دکتر فرح ژ

بودا باوری در ایران و آسیای میانه

اگر چه از زمان نخستین گسترش آیین بودایی در بلخ (Bactria) اطلاعات دقیقی در دست نیست، اما مدارک بدست آمده موثق و متقنی وجود دارد که حکایت از آن می کند که آیین مزبور در قرن سوم پیش از میلاد، بدلیل تشویق و حمایت آشوکا، پادشاه بزرگ کوشانی، تبلیغ و گسترش یافت و در مرزهای سرزمینهای هند و ایران، گسترشی روز افزون پیدا کرد.

کتیبه های بسیاری گستره پادشاهی آشوکا به جای مانده است و مشهورترین این کتیبه ها که حاوی مضامین گوناگون و بر روی سنگ و یا ستون نگاشته شده است، از آموزه های بودایی سخن می گوید که وی در آرزوی برقراری آن بود. دو کتیبه از این مجموعه در قندهار افغانستان که بر سر مرز شمالی قلمروش قرار داشت در سال ۱۹۶۳ به زبان یونانی پیدا شده است. یکی دیگر از کارهای برجسته آشوکا که برای وی شهرت و افتخار نیز به همراه آورد، برپایی و ایجاد معابد و بناهای یاد بود بودایی هر می یا گنبدی شکل بود که بر فراز آن آثار مقدس بودای بزرگ افراشته می شد و بدان استوپه (Stupa) گفته می شد. بنا بر روایتها و قصه های عامیانه، او بدلیل ساختن هشتاد و چهار هزار استوپه جایگاه ویژه ای نزد همگان یافته بود. استوپه های دوران آشوکا و جانشینانش از نظر سبک با استوپه هایی که در دوران فرمانروایان متأخر کوشانی ساخته شده اند، تفاوت دارند. این اختلاف را زائر نام آور مشهور چینی قرن هفتم به نام (Hsüan-tsang) هنگامیکه از بسیاری از استوپه های متعلق به دوران آشوکا در شمال غربی سرزمین کوشان دیدن کرده بود یاد کرده است. فهرست این استوپه های آشوکایی چنین است: سه استوپه در تاکسیلا در پنجاب غربی، دو استوپه در اُدیانه (udḍiyāna) در شرق تنگه خیبر و پنج استوپه در گندهاره (Gandhara) در شرق تنگه عفیبر، سه استوپه در نزدیکی نگرهاره

(Nagarahara یا جلال آباد کنونی) دوازده استوپه در جاگوذه (در نزدیکی قندهار) و حتی یک استوپه در کاپیشی (Kapisi) یا بگرام کنونی.

نخستین قرون میلادی، دوران تحکیم و گسترش شاهنشاهی کوشانی به شمار می رود. از نقاط مهم تحت تسلط کوشانیان منطقه تارم بوده است که میان کوههای تیان شان و سلسله جبال کون - لون (Kun - Lun) قرار داشت و به منزله شاهراهی بود که کالاهای بازرگانان از آنجا به چین و نیز به سوی غرب برده می شد و در مرزهای شمالی و جنوبی آن یک سلسله دولت - شهر - های مترقی قرار داشت. منطقه دیگر سغد بود که میان جیحون و سیحون قرار داشت. ناحیه بعدی بلخ (Bactria) است که پس از مرگ اسکندر تحت استیلای سلوکیان قرار گرفت و در نیمه سده سوم پیش از میلاد، به صورت مرکز یک دولت یونانی مستقل در آمد که تا سغد و شبه قاره هندوستان گسترش یافت. منطقه دیگر تخارستان بود که نواحی مهم این منطقه ترمذ، اندر آب، بغلان شهری در مجاورت سرخ کتل، قهندز بوده است. ناحیه بعدی خوارزم بود که در طول سفلی جیحون قرار داشت.

کوشانیان همچنانکه اصل و نسب شان نامشخص است، یکی از زبانهای ایرانی میانه شرقی را که امروزه به نام بلخی موسوم است، بعنوان زبان سیاسی و اداری خویش در گندهاره پذیرفتند. آنان بر جاده بازرگانی مشهوری که از تاکسیلا از طریق بامیان به بلخ و از آنجا به ترمذ در سرحد افغانستان کنونی می رفت نظارت داشتند. در طول این جاده بازرگانی تا مرزهای شرقی آن، آثار باستان شناسی از کوشانیان بودایی باور باز یافته شده است.

حکومت کانشیکای اول (قرن دوم و اول پیش از میلاد)، سومین پادشاهی که بدنبال نام خود لقب کوشانی را به همراه داشت و یکی از مشهورترین فرمانروایان کوشانی بود، خبر از ظهور یک دوران جدید در تاریخ و هنرمی دهد. این پادشاه همچون اشکای دوم در متون بود این تجلیل و ستایش می شود و همانند اشوکا داستانها و روایتی جهت بر پا کردن معابد بودایی و گسترش

بوداباوری بدو منسوب است. اما گمان می رود که حمایت و پشتیبانی وی از آیین بودایی در نتیجهٔ سناهل و نسامح دینی بوده باشد تا بر اثر گروش به آیین بودایی و تغییر دین. گرچه بر روی یکی از سکه های متعلق به کانیشکا، تصویر بودا نقش بر بسته، لیکن نقشهای دیگر روی مسکوکات دوران این فرمانروا، بیانگر حضور ایزدان و خدایان گوناگون فرهنگها و اقوام گوناگون است. مدارک باستان شناسی بویژه سکه های کانیشکا نامها و تصاویر خدایانی را دارند که مربوط به خدایان یونانی و ایرانی و هلنیستی است. به غیر از تصویر مهر که مظهر عدالت بود، اوردوخش (ardoxso/ ordoxs) الهه باروری، بهرام (varaarakna) خدای جنگ، شیوا خدای هندی، هلیوس (Helios) و سلنا (Selena) و حتی سراپیس (Serapis) که آیین آن در مصر دوران هلنیستی متداول بود، بر روی آنها دیده می شود و این در حالی است که آیین بودایی سریعاً در حال گسترش بود. آنگونه که در روایات آمده، کانیشکا با نویسندگان بودایی نام آوری همچون اشواگوشه (ASHAGHOSA)، ماتر چمته (MATRCETA)، وسوبندو (VASUBANDHA) با پزشکی مشهور به نام چرکه (CARAKE) در ارتباط بوده است.

ادامه دارد

ادامه از صفحه ۳۲

- ۲۶ - نگرش بر زن و جنسیت در دوران مشروطه ویرا ستارخانم نجم آبادی و پیراسته زانت آفاری - مژگان علی بخشیان - منصوره فتوره چی کانون پژوهش تاریخ زنان
- ۲۷ - چهار رساله تاریخی در باره طاهره قره العین به کوشش آقای ابوالقاسم افنان
- ۲۸ - پیام صلح آقای فرزین دوستدار
- ۲۹ - خاطرات تاج السلطنه به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی)
- ۳۰ - Inside Iran Women's Lives Jane Howard

ارسالی جناب دکتر امین جدّاب
جناب سهیل سمندری اعلی الله مقامه
ادامه مطالب پیشین

رشحی از الطاف الهیه در سفر به ممالک روسیه (سابق)

یکی از آنها را پی در پی بنواز دبزودی خود و دیگران خسته شوند اما اگر استادی آگاه به علم و فن موسیقی این سیمها را بنوازد هر کدام بموقع و مقام بصدا در آمده آهنگی دلربا و جانفزا فضای دل و جان را باهتزاز آرد. ملل و نحل مختلفه را چون سیمهای متعدده تصور کنید اگر هر کدام مدّام صدای خود را بر آرند و همه چیز را برای خود خواهند یا همه یکجا پرصدا شده هیاهو کنند جز زحمت و درد سر ثمری نیآورد و بر مشکلات جهان افزاید مانند وضع عالم ولی استاد الهی از هر کدام بموقع و بجای خود استفاده کند و آنها را در هر مقام و مرتبه بر حسب لزوم باهتزاز آرد و آنها را بنوازد و نوای خوش آسمانی ظاهر فرماید. امروز آن استاد الهی حضرت بهاء الله است که بید قدرت و مرحمت ملل و نحل را مینوازد و نوای تازه وحدت عالم انسانی آغاز فرموده و پرده نوین ساز فرموده و جمیع خلق جهان را بوحدت و یگانگی حقیقی دلالت فرموده و هدایت خواهد فرمود و عالم آئینه بهشت برین و محل تجلی جنت ابهی خواهد گشت. جناب ایشان در این سفر بسیار موفق بودند و سبب سرور کل هم سفران ناگفته نماند که در موزه فرش بادکوبه که قبلاً مسجد بوده که تبدیل به موزه شده و طبق برنامه بدیدن رفته بودیم یک مرتبه دیدیم این هنرمند حسّاس در مقابل قالیچه ای ایستاده و اشک از دیدگان ایشان جاریست معلوم شد این قالیچه بدست متصاعده بملکوت ابهی سرکار قمرخانم والده جناب میثاقیان قبل از ازدواج بعنوان هدیه عروسی طبق تاریخ در سال هزار و سیصد و بیست و سه ۱۳۲۳ قمری بافته شده و این بیت در آن خوانده شد: سر راحت نشینم

خسته خسته - گل نرگس بچینم دسته دسته. معلوم شد این خانواده شریف از طهران قصد مهاجرت فرمودند و همه چیز را فروختند این قالیچه هم رفته است ولی چون این عزیمت خانواده در راه حق بوده حالا این صنع زیبای تاریخی باید سر از موزه فرش بادکوبه در آورد و در آنجا محفوظ و مصون مانده سبب اعجاب بازدید کنندگان شود. جناب آقای دکتر سهراب فریدانی روحی فداه عضو هیئت محترم معاونت و اخوی حضرت شهید مجید فریدون فریدانی از شهدای سبعهٔ اخیر زد. آیت روحانیت و نورانیت و محویت و فنا وجود عزیز ایشان برکتی روحانی در این جمع بود در جلسات یاران در نهایت اتفاق باد، ذکر و بیان و خطابه و نطق سبب مسرت دوستان و تنبّه و تذکر همگان بودند و این هیئت همه گونه از سجایای روحانیه و شیم عالیّه ایشان مستفید و مستفیض میشدند. در تمام شهر ها احبای بومی و همراهان سفراز بیانات مؤثره شان استفاده نمودند و بر روحانیت افزودند. فانی باحضرت ایشان هم اطاق بود و در نهایت رعایت و و محبت و وفاق سر مشق محبت و اخلاق بودند و در یگانگی و صمیمیت طاق در خدمت ایشان باین تا توان بسیار خوش گذشت از این بهتر نمی شود. جناب آقای روح الله خان سادات خمینی سرکار محترم شهین خانم جاوید خمسی از سوئیس تشریف آورده بودند در سفر سبب روحانیت و نورانیت این جمع بودند و با افکار صائبه منشاء نتایج مفیده شدند و با وجود تحرک شدید در این اسفار و فشرده گی فوق العاده برنامه های گوناگون و ایجاد خستگی های زیاد در هر محل و موقع حتی در طیاره های کهنه و مندرس آنچنانی و اتوبوسها و فرودگاهها و رستورانها و موزه ها یاد داشت های دقیقی تهیه فرمودند که بسیار ارزنده است گاهی از شدت خستگی رنگ ایشان مهتابی میشد و باز از یاد داشت و تحقیق دست بردار نبودند. بجوهر الجواهر وفا موفق شدند در دو سه روزه کوتاه بادکوبه

جناب دکتر مشرف زاده

ادامه مطالب پیشین

حاجی کریم خان

بطور کلی ایراداتیکه کریمخان بر حضرت ربّ اعلیٰ گرفته از اینقرار است:

- ۱ - ادّعی نزل وحی که پس از حضرت رسول اکرم ص کسی این ادعا را نباید بکند (یدالله معلوله - دست خدا بسته است!).
- ۲ - ادّعی آوردن کتاب جدید (بر طبق احادیث صحیحه قائم باید با کتاب جدید ظاهر شود).
- ۳ - اعلان جهاد و میگوید در غیاب امام چنین اعلانی باطل است (علما هم این اعلان را بارها کرده اند تا چه رسد به قائم ال محمد).
- ۴ - چرا حضرت دستور فرموده اند که آثارشان با مرگب قرمز نوشته شود نه سیاه (احتمالاً مرگب قرمز نماینده جهاد و خروج شهادت است و برای خواننده نیز جلب توجه بیشتری می کند).
- ۵ - ادعاهائی که مخصوص پیغمبر و ائمه است (حضرت هم شاعر بودند و هم امام)
- ۶ - اضافه کردن نام حضرت در اذان (بمنظور اعلان عمومی مظهریت حضرت بوده بهترین وسیله جلب انتظار در آنزمان).
- ۷ - ادّعی نیابت خاصه امام (این ادعا قبل از ادّعی قائمیت حضرت بوده است
- ۸ - اینکه همه باید متابعت ایشان را بکنند و هر که نکند کافر است (همه انبیاء این کار را کرده اند)
- ۹ - اینکه همه باید به حضرتش اقتداء کنند و حضرتش را قبله و مسجد بدانند (همه انبیاء این کار را کرده اند).
- ۱۰ - عدم تطبیق ظهور حضرت با بشارات مربوط به امام دوازدهم (ظهور حضرت با آن بشارات انطباق کامل دارد).
- ۱۱ - تغییر ادّعا و القاب مظهریت از بایّت به امامت و سپس به رسالت و تطبیق بر داشت کریم خان استغفرالله بالوهیت باعث هدف این مقاله جوابگوئی به

ایرادات کریم خان نیست زیرا جواب اغلب سئوالات و ایرادات وی مبتنی بر عدم آشنائی او به روح و مقصد اصلی تعالیم شیخ و سید و در متن ایراد و سؤال ممکن است ولكن در مورد ایراد یازدهم او ذکر نکاتی ضروری است.

در دیانت مقدس بابی و بهائی کلمه باب بمعنائی بمراتب وسیع تر و جامع تر از آنچه که منظور شیخ و سید بوده و در اسلام استعمال شده بکار رفته است. درست است که در ابتدا حضرت ربّ اعلی بنا بر مدارا با اعتقادات قوم بحکمت بالغه الهیه باکسانیکه بحسب درجه ایمان حضرتش را باب امام میدانستند ماماشات فرمودند زیرا مراتب ایمان در اشخاص مختلف است و مردم برای اکمال و ارتقاء مراتب ایمانی احتیاج به زمان دارند چنانچه خود آنحضرت در باب دوم واحد هشتم و از باب دوم واحد هشتم بیان می فرمایند:

چون بظهور قبل کل موقنند و عین ایشان جدید نیست که ظهور بعد را ادراک کنند بیقین از این جهت ذکر میکند باسم ظهور قبل نفس خود را لعل اگر نفسی بمنتهای حجب هم باشد تواند شناخت او را.

ولکن در عرف بیان و اقدس همواره منظور از کلمه باب باب الله و دروازه ورود به عرفان الهی و شناخت خدا است.

از این در رو که تا بینی خدا را (شیخ عطار)

هر دیانتی برای نامگذاری طلعات مقدسه خویش اصطلاحات مخصوص بخود را دارد مثلاً در دوره موسوی پیمبر و نبی در دوره عیسوی مسیح و حواریون، در دوره اسلام رسول و نبی و امام و در دور بیان ذکر، باب، مبشر، شمس حقیقت، نقطه حقیقت، شجره حقیقت و من یظهر الله و در دور ابهی مظهر ظهور کلی الهی و سپس مبین و ولی امر استعمال شده است. حال اگر کسی از بهائی بپرسد امام شما کیست؟ باید به او فهماند که اصطلاح امام مخصوص دور اسلام است و در این دیانت بمصداق سخن نو آر که نو را حلاوتی است دگر آن اصطلاحات متروک و در عوض اصطلاحات دیگری اتخاذ گردیده است.

واحد دوم از باب شانزدهم - در عرف دیانت بابی همه انبیاء باب هستند و باب یعنی مظهر فیض الهی و مظهر ظهور حق

ادامه دارد

جدیدترین بیانیه مهم، صریح و کم سابقه اتحادیه اروپا
بروکسل، ۷ فوریه ۲۰۰۸

شورای اتحادیه اروپا

بیانیه اتحادیه اروپا در باره وحیم تر شدن وضعیت اقلیت دینی بهائی ایران
اتحادیه اروپا نگرانی عمیق و جدی خود را در باره بدتر شدن وضعیت اقلیت
های قومی و دینی در ایران، بویژه به رنج هایی که بهائیان به آن مبتلا هستند،
ابراز می دارد. بر اساس گزارش های موثق، قوه قضائیه ایران تأیید کرده که
۵۴ بهائی توسط دادگاهی در شیراز به اتهام تبلیغ علیه رژیم محکوم شده اند.
سه تن از این عده که مقصر شناخته شده اند، به چهار سال زندان و ۵۱ نفر
دیگر به یک سال زندان تعلیقی محکوم گردیده اند.

اتحادیه اروپا در باره تبعیض علیه بهائیان و ستم و آزار سازمان یافته و مداوم
بر آنان، از جمله اخراج محصلین از دانشگاه ها و دبیرستان ها، محدودیت های
استخدامی و تبلیغات ضد بهائی در رسانه های عمومی ایران، نگران است.
اتحادیه اروپا مایل است مخالفت قاطع و قطعی خود را با هر گونه تبعیض، بویژه
در رابطه با آزادی دین اعلام نماید. در این زمینه، اتحادیه اروپا از جمهوری
اسلامی ایران می خواهد که زبانیان بهائی را آزاد و آزار و ستم بر اعضا، اقلیت
بهائی را به خاطر اعتقاد آنها به امر بهائی و اجرای مراسم و مناسک دینی
متوقف نماید.

در صدور این بیانیه کشور های دیگر اروپائی نیز که اسامی آنان در اینجا
می آید با کشور های اتحادیه اروپا هم صدا می باشند: کرو آسی، جمهوری
مقدونیه، آلبانی، بوسنی و هرزگووین، صربستان، ایسلند، لیختنشتاین، نروژ
اوکراین و جمهوری مولدوا.

خانم زرین تاج ثابت (خضرائی)

اول اکتبر ۲۰۰۶ - ۱۶۳ بدیع

« ایها السائل » : « امروز نور ناطق و نار متکلم و خورشید حقیقی مشرق،
جهد نما شاید فائز شوی بآنچه سزاوار یوم الله است.

حضرت بهاء الله

مأخذ: ادعیه محبوب ص ۳۳۸

جلوه معشوق

انوار رویش آشکار
مفتون و شیدا آمده
شد شام هجران منتهی
روح مسیحا آمده
دیگر شده کون و مکان
آن سرو رعنا آمده
از رخ برافکند او نقاب
عاشق چو (۱) ورقا آمده
پنهان، هویدا آمده
آن باده پیما آمده
عالم پر از آواز شد
آن ذات یکتا آمده
از دل غزل خوان تو شد
آن ماه سیما آمده

صد مژده آمد آن نگار
از شوق وصلش عاشقان
مشرق شده شمس بها
دلها زغم گشته رها
شد نو بهار از نوعیان
برگو به صد شور و فغان
معشوق آمد بی حجاب
بس واله و سرمست بین
آن نورگویا (۲) آمده
سرخوش ز جام وصل او
در های بسته باز شد
بس نکته ها آغاز شد
« زرین » ثنا خوان تو شد
گوید به صد شوق این سخن

(۱) - جنابان ورقا پدر و پسر شهید

(۲) - گوینده، سخنگو

PAYAM - I - BADI

VOLME 26

NOS: 3 - 4

MARCH-APRIL

2008

پیام بدیع

سال بیست و ششم

سال ۱۶۵ بدیع

۱۳۸۷ شمسی

۲۰۰۸ میلادی

نشانی پیام بدیع

برای ارسال حق اشتراک
نامه ها - مقاله ها - پیشنهادها
و تغییر آدرس پستی مشترکان

PAYAM - I - BADI
P.O. BOX 698
CLIFTON, NJ 07012
U.S.A

حضرت امه البهاء روحیه خانم ابادی
عزیز امرالله در کتاب بی نظیر گوهر
یکتا در باره علاقه شدید حضرت ولی
امرالله به افزایش هر چه بیشتر
انتشارات مرقوم فرموده اند:

«... نوشتن و نشر کتب و آثار امریه
دائماً مورد علاقه شدید وجود
مبارک بود در این سبیل هر چه
اقدام می فرمودند هرگز خسته نمی
شدند و دائماً حامی این شعبه از
خدمات بودند و آن را همه جا و
همه وقت حمایت می فرمودند ...
چنانکه در حساب هندوستان ملاحظه
کنید در یک سال هزار لیره برای
نشریات مرحمت فرمودند ...»

قابل توجه: حق اشتراک سالیانه برای
امریکا و کانادا ۳۵ دلار امریکائی و دیگر
کشورها ۴۰ دلار امریکائی.
ابتدای هر سال میلادی اشتراک تجدید
می گردد.

مشترکان عزیز پیام بدیع

- ۱ - با پرداخت مرتب حق اشتراک به ادامه حیات و بهبود «پیام بدیع» کمک نموده، خادمان مجله را مرهون عنایت خود فرمایید.
- ۲ - تغییر نشانی را فوری اطلاع فرمایید زیرا پست ارزان Bulk-Mail با تغییر آدرس مجله را به مبدأ برنمی گرداند و به دور می اندازد.

Payam
Payam-i-Badi



Badi

PAYAM-I-BADI P.O.BOX 698 CLIFTON NJ 07012 U.S.A.